

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

تک شماره ۱۰ ریال

پاکسازی، برای تحکیم وحدت خلق

میکند که تن به شکست ندهند و بی شکال گوناگون تلاش بیشرمانهای را برای بازگشت به صحنه خود فراهم سازند.

فدا انقلاب شکست خورده اما نابود نشده از طریق شایعه پراکنی، تخریب، آشوبگری و بهم زدن نظم بطورینهایی و به مثال گورگ در لباس میش درآمده، نبردیه مراتب بفرنج و خطرناکتری را با انقلاب آغاز میکنند و اگر انقلابیون راستین هشیاری لازم را نداشته باشند مشکلات سهمگین و سختی را با یسد تحمل کنند.

میهن ما ایران از این قاعده مستثنی نیست. پس از پیروزی انقلاب فداستبدادی و وضو امیرالایستی اخیر رهبری امام خمینی، تعداد زیادی از عناصر دشمن طبق نقشه‌ای از پیش طرح شده در لفافه‌ی "دفاع از اسلام" خود را در مراکز مختلف قدرت جاگمه از جمله در کمیته‌های اما مجاز زدند. آنها از یکسوی طور دائم به سرکوب خلق میپردازند تا نفرت و کینه‌ای را که بعزت زدست دادن بهشت خونین خود از مردم دارند به تحقق برسانند و از سوی دیگر در میان مردم با رواج دادن ظلم و ستم و خودکامگی تخم عدم اعتقاد به آینده‌ی تابناک

آز جمله مسایلی که در تحکیم دستاوردهای انقلاب و ادامه و تعمیق آن در دستور کار کلیه نیروهای انقلابی و بویژه قدرت حاکم قرار گرفته است پاکسازی کمیته‌های اما و ادارات دولتی میباشد. این پاکسازی مساله‌ای صرفاً مادی نیست که با برداشتن این یا آن شخصی و گماشتن فردی دیگر خاتمه یابد، بلکه زمینه‌ی معنوی نیز دارد که همانا اتخاذ سیاستهای درست در ادامه انقلاب است.

این بدان معناست که باید با پافشاری روی سیاست درست دفاع از استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی که سه اصل خلق میباشد زمینه را برای متحد ساختن وسیعترین نیروهای خلقی فراهم ساخت تا دشمنان در آنفرادکامل بسربرده و قادیه تغییرا وضع به سود خود نگردند. بر اساس این سیاست است که باید عناصر انقلابی و میهن دوست به مصداق مورگماشته شده و بیخلق خدمت کنند. چنانچه در امر پاکسازی به مساله سیاست درست توجه نشود و سیاستهای نادرست اتخاذ گردد، آنوقت زمینه برای مداخله‌ی فدا انقلاب فراهم میگردد زیرا مرز بین دوست و دشمن مخدوش میشود.

گرد همآیی در وزارت امور خارجه

روز پنجشنبه ۷ تیرماه بدعوت وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران گرد هم آئی با شرکت نزدیک به ۱۵۰ نفر از نمایندگان حزب و سازمان سیاسی و کارکنان وزارت امور خارجه در تالار دکتر فاطمی در ساختمان وزارت امور خارجه برگزار شد. هدف این گرد هم آئی بحث در اطراف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود.

این جلسه که پنج ساعت بد رازا کشید تجربه‌ای مثبت بود که در آن گروههای سیاسی نظرات و پیشنهادات خود را در مورد سیاست خارجی ایران ابراز داشتند. دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه در ابتدای جلسه نکات اساسی سیاست خارجی ایران را که بر عدم تعهد، حفظ استقلال و تمامیت ارضی، مبارزه با بقیه در صحنه دو

مواضع ما

در مورد نکات اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۱- عدم تعهد، بمعنی داشتن استقلال کامل و اتکاء به نیروی خود، اتحاد با کشورهای جهان سوم جهت مقابله با اجحافات گوناگون ابرقدرتها و تأمین منافع ملی کشور، مبارزه با هرگونه دخالت، کنترل، سلطه‌گری

نامه دفتر سیاسی

ریاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی

ما از ابتدای شروع کار دادگاههای انقلاب از مشی انقلابی آن در مورد مجازات سران و عمال خائن و جنایتکار رژیم قاطعانه پشتیبانی نموده و در سطح جهانی سهم بسزائی در افشاء و مقابله با تبلیغات امپریالیستی و صهیونیستی بین المللی که میکوشند حیثیت جمهوری اسلامی ایران را لکه دار کنند داشته ایم. از اینرو موجب کمال تاسف ماست که دادگاه دو شکنجه‌گر و جلاذ ساواک معروف به تهرانی و آرش بجای اینکه محل محکوم کردن ضد خلق، ساواک و جنایتکاران بوسیله خلق، مبارزین و خانواده شهدا باشد عمدتاً تبدیل به سالن کنفرانس ایندو جلاذ در لجن پراکنی نسبت به خلق و مبارزین و شهدای خلق گردید. شما بمصدق مثال معروف "سنگ رسته و سنگ را گشاده اند" ساعات طولانی از جلسات

در این شماره:

* شوروی کشوری امپریالیستی

* آزادی برادران صابری

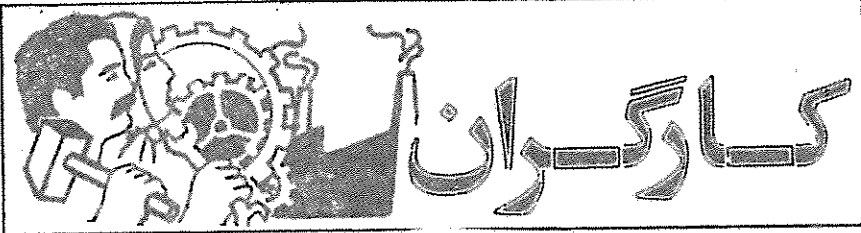
* افشاءگری کارکنان راه و ترابری گران

* رهنمودهای مهم امام

* تحصن کارکنان خدمات اجتماعی

* آقای سفیر و صدور گاز ضمیمه

* طرح قانون اساسی (پیشنهادی از طرف سازمان انقلابی)



پایان موفقیت آمیز اعتصاب

کارگران پیمانکاری نفت جنوب

بیروزیهای بیشتری دست خواهند یافت و همانند گذشته گردانهای پیشرو و مبارز سپاه بزرگ ضد امپریالیستی خلق خواهند بود. هیئت تحریریه محترم رنجبر با اعتقاد و علاقه به هفته نامه رنجبر گزارشی از اعتصاب کارگران پیمانکاریهای شرکت نفت تهیه کردم که میفرستم شاید تجربه مامورد استفاده دیگر کارگران ایران قرار گیرد. با تفاق ۳ نفر از نمایندگان،

اعتصاب طولانی کارگران پیمانکاری نفت جنوب با موفقیت پایان یافت و کارگران به اکثر خواستهای خود دست یافتند و در مورد استخدام رسمی در شرکت نفت از مقامات مسئول قبول گرفته شد که تا اسفندماه این خواسته را نیز برآورده سازند. قولی که وحدت و پیگیری کارگران، ضامن اجرای آنست. این اعتصاب موفق حاوی تجربیات ارزشمندی است. ما در

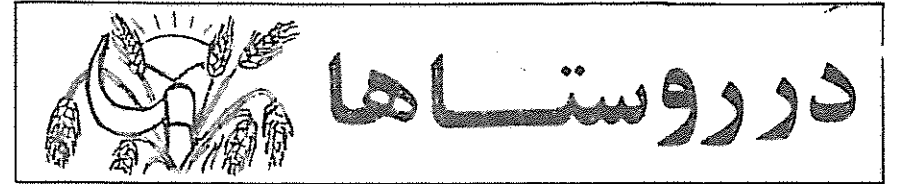
زمینه برای مداخله‌ی خدا انقلاب فراهم میگردد زیرا مرز بین دوست و دشمن مخدوش میشود. قانونمندی تاریخ همیشه چنین بوده است که وقتی میریالیستها و مرتجعین در میدان نبرد طبقاتی آشکار شکست میخورند، صحنه را بسادگی ترک نمیکنند. منافع پلید طبقاتی آنها ایجاب،

و از سوی دیگر در میان مردم روح دادن ظلم و ستم و خودکامگی تخم عدم اعتماد به آینده‌ی تابناک وادامه انقلاب را بکارند. در واقع آنها اعمال و رفتار خود را بعنوان اعمال و رفتار انقلاب را نشانه میدهند. این بدترین چوبی است که لای چرخ پیش رونده‌ی انقلاب بقیه در صفحه دو

و شهدای خلق کردید. شما بمصدق مثال معروف "سنگریسته و سنگ را گشاده اند" ساعات طولانی جلسات دادگاه را، که وسیعاً توسط تلویزیون و جراید منعکس شده، در اختیار این دو جلاد بخصوص تهرانی گذاشتید که با صلح تهران جنایات خود را بر شما روند ولی در عمل ۹۰ درصد سخنان نشان حمله به بقیه در صفحه ۹

فان اجرای آنست. این اعتصاب موفق حسابی تجربیات ارزشمندی است. ما در اینجا نامه یکی از کارگران اعتصابی را برای آگاهی دیگر کارگران از ماجرای این مبارزه درج میکنیم و مطمئنیم کارگران مبارز پیمانکاری نفت جنوب با حفظ وحدت در صفوف خود و با فشاری بروی خواستگاران نشان بقیه در صفحه هفتم

تجربه ما مورد استفاده دیگر کارگران ایران قرار گیرد. با توافق ۳ نفر از نمایندگان کارگران تعمیرات پالایشگاه آبادان از تاریخ ۵۸/۳/۲ و تمام کارگران تعمیرات برای خواسته‌هایی که افراد واجد شرایط به استخدام شرکت ملی نفت درآیند و کارگرانی که از بقیه در صفحه هفتم



دروستاها

تجاوز مالک، مقاومت دهقانان حصار خربان (قزوین)

حصار خربان در هجده کیلومتری قزوین قرار دارد و جمعیت آن حدود ۵ هزار نفر است. کشاورزان این ده خواستار باز پس گرفتن زمینهایشان از مالک بزرگ ده می‌باشند. به گفته اهالی، سید صمد تقوی مالک ده با کمک نصیری معدوم و عده‌ای دیگر در زمان طاغوت زمینهایشان را تصاحب کرده بود. سید صمد تقوی اکنون در بند ۱ زندان قصر بسر میبرد. برادر او و ۲۵ نفر آدم مسلح دیگر به مقابله با دهقانان این منطقه پرداخته که تاکنون منجر به مرگ و زخمی شدن دهقانان و زخمی شدن عده‌ای دیگر از آنان گردیده است. در روز پنجشنبه چهارم تیر در اثر حمله افراد مسلح صمد تقوی منجر به قتل اصغر مافی و زخمی شدن دونفر دیگر که به بیمارستان منتقل شدند، گردید. کشاورزان خشمگین شده و اتومبیل شورولت بلیزر مهاجمان و یک کامیون متعلق به صمد تقوی را در میان مزرعه گندم به آتش کشیدند که منجر به سوختن

بخش وسیعی از محصول گندم گردید. دهقانان قصد آتش زدن دیگر قسمت‌های مزرعه گندم را داشتند که با وساطت عده‌ای از اهالی از انجام آن جلوگیری شد. آنها میگفتند ما اسلحه نداریم که مقابل آدمهای صمد قرار بگیریم چون کمیته هم به ما کمک نمیکند مزارع را آتش میزنیم که او هم نتواند از آن بهره برداری کند. البته اکثریت کشاورزان معتقد بودند که هر طور شده، مبارزه میکنیم تا زمینها را پس بگیریم عده‌ای از اهالی مدعی بودند که افراد سید صمد بنا کمیته پارتی بازی کرده‌اند و عده‌ای هم گله داشتند، حالا که انقلاب شده چرا کمیته و دولت به وضعشان رسیدگی نمیکنند. عده‌ای از کشاورزان که چهره‌های جوان در آنها دیده میشد، می‌گفتند ما دیگر از مرگ نمی‌ترسیم و تاحق خودمان را نگیریم و انتقام خون شهیدانمان را از سید صمد نگیریم دست بردار نیستیم.

گزارشی از تحصن کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی



بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران و کارمندان سازمان ملی خدمات اجتماعی، از روز چهارشنبه ۳۰ خرداد ماه در محل این سازمان، واقع در خیابان سپه تهران دست به تحصن زدند. پانزده تن از آنان نیز اعتصاب غذای خشک کردند، که تا بحال تعدادی از آنها در اثر خونریزی معده و ناراحتیهای دیگر راهی بیمارستان گشته‌اند. این تحصن و اعتصاب غذا بدنبال یک مبارزه طولانی بخاطر پاکسازی سازمان از وجود عناصر ضدانقلاب و ارتجاعی و برای خدمت به انقلاب صورت میگیرد. این سازمان قبلاً سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بوده و رژیم منفوریپلوی از آن برای اهداف غارتگرانه خود استفاده میکرد. این سازمان شامل سه بخش درمانی، آموزشی و امور اجتماعی بود و بعلاوه واحدهای دارو پخش و بخش پوشاک راهم در بر میگرفت و مجموعاً در حدود ۸۰۰۰ نفر در آن کار میکردند. بعد از انقلاب تصمیم گرفته شده که بخش درمانی به وزارت بهداشت، بخش آموزشی به وزارت آموزش و پرورش، بخش امور اجتماعی به وزارت ارشاد ملی و واحدهای دارو پخش و بخش پوشاک نیز به وزارت بازرگانی و وزارت صنایع و معادن منتقل شوند ولی تاکنون در این راه قدمی برداشته نشده و وزارت بهداشت اعلام کرده است که قادر به جذب آن نیست. جزعه‌ها معدودی سرسپرده رژیم خائن شاه، بقیه افرادی

که در این سازمان خدمت مینمایند با تشکیل "اتحادیه کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی" در طول انقلاب، بطور موفقی به فعالیت پرداخته و بنوبه خود در به ثمر رساندن انقلاب سهم ارزنده‌ای ایفا کرده‌اند. شهید نرژ که بهیار بود، نمونه خوبی از این افراد انقلابی و صادق به امر انقلاب است. او در روز بیستم بهمن هنگام یاری رساندن به برادران همافر، در خیابان فرح‌آباد شهید شد. پس از انقلاب از طرف دولت موقت، احمد رئیس روحانی به سمت سرپرستی موقت سازمان منصوب شد. علیرغم سوابق سیاه بقیه در صفحه

ملی کردن شرکتهای بیمه

هفته گذشته دولت اعلام کرد که شرکتهای بیمه و دیگر موسسات اعتباری را ملی کرده است. از آنجا که این موسسات نیز مانند بانکها اساساً وابسته به امپریالیسم بودند و به استثمار غارت امپریالیستها خدمت میکردند، این اقدام دولت قدم مثبتی در قطع رشته‌های وابستگی اقتصاد میهن ما به امپریالیسم است. وابستگی به امپریالیسم به یک یادوزمینیه خلاصه نمیشود. نفوذ سرمایه‌های اعتباری و مالی انحصارات خارجی یکی از زمینه‌هایی است که امپریالیستها با اختصاص دادن قسمتی از سرمایه انباشته شده خود، بدون آنکه هیچگونه شرکتی در امر تولید داشته باشند، سالانه مبالغ هنگفتی از دسترنج ملل ستمدیده جهان سوم بفرات میبرند. در ایران ۱۴ شرکت بیمه فعالیت داشتند که دارای سرمایه‌های اولیه‌ای بین ۱۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان بودند. مادر زیربرخی اطلاعات مربوط به وابستگی این شرکتهای بیمه را نقل میکنیم. الف - سرمایه‌گذاری خارجی - علاوه بر شرکتهای بیمه یوکوشایر انگلیسی و اینگسترخ روسی که با داشتن امتیاز نمایندگی در ایران صاحب اختیار کامل سرمایه و درآمدهای خود بودند، جدول زیر درصد نفوذ سرمایه‌گذاری خارجی را در چند شرکت بیمه نشان میدهد: - بیمه بین المللی ایران و آمریکا بقیه در صفحه ۷

پاکسازی، برای...

بقیه از صفحه یک

کنونی ایران بپراج بی حیثیت کردن آن میگذارند.

این روزها صحبت از سوء استفاده های مالی، رشوه گیری، قاچاق مواد مخدر، ورود عناصر و اوباش، پارتی سازی و غیره توسط برخی از دست اندرکاران، نقل محالس و محافل شده است و ناراضی های توده های مردم روز بروز بیشتر میشود.

ما با حرکت از این واقعیت که نه تنها وسیعترین توده های زحمتکش یعنی کارگران و دهقانان بلکه اقشار مختلف خرده بورژوازی و بورژوازی ملی استقلال طلب و آزادیخواه اساسا با حرکت انقلاب کنونی به پیش تضاد منافع ندارند و حاضرند از جان و دل خدمت کنند، لذا نارسائی های موجود را ناشی از رخنه مشت ناچیزی از عوامل مخرب دشمن در صفوف خلق و بی ناشی از ناآگاهی موجود در صفوف خلق در پیشبرد سیاست صحیح انقلابی، میدانیم.

امام خمینی بارها تاکید کرده اند که نباید کاری بکنیم که بهانه بدست دشمن افتاده و ما را آلوده کند (خبرگزاری پاس ۵۸/۴/۶) و امام پاکسازی کمیته ها و ادارات را از وجود عناصر ضد انقلابی وابسته به ساواک یا رژیم سابق و عوامل بدنام مطرح کرده اند.

در پیشبرد این دستور صحیح مسئولین امور باید متوجه باشند که دشمن آرام نمی نشیند و سعی خواهد کرد همین حربه را متوجه عناصر انقلابی بکنند در نتیجه پیاده کردن امر پاکسازی را باید با معیار درجه ای رضایت توده های مردم از این یا آن مقام مسئول و یا فرد میزبان یا فشاری آوری خط مشی صحیح انقلاب، صورت داد و نه ظاهر عابد و زاهد نمائی افراد بعنوان معیار خوب بودن فرد یا غیر مذهبی بودن آنان بعنوان معیار بدی.

در عین حال مقابله با توطئه های دشمن به امر پاکسازی کمیته ها و ادارات خاتمه نمی یابد. باید کلیه نیروهای انقلابی و بخصوص کسانی که در اداره امور نقش حساس دارند و در قدرت حاکمه عمل میکنند به پاکسازی نظرات و اعتقادات سیاسی خود

از جمله کسانی که زدادم اینگونه تبلیغات دشمن افتاده است دادستان انقلاب اسلامی در اهواز است. ایشان در جواب به نامه "رنجبر" در مورد دستگیری برادران صابری در اهواز که در شماره ۱۵ روزنامه انقلاب اسلامی شنبه ۹ تیر ماه ۱۳۵۸ صفحه ۱۱ منتشر شده با آوردن جملائی نظیر:

"یا ما سواد نداریم یا حضرات خیلی پرزور تشریف دارند" به شعار "زنده باد وحدت خلقهای ایران" که از طرف سازمان انقلابی مطرح شده است حمله میکند و این را دلیلی برای جدا نمودن مردم مسلمان ایران قلمداد مینماید و یا حمله به ساختمان دادگستری خرمشهر را با اسلحه "آر-بی-جی ۷" توجیهی برای اعمال خود در توقیف برادران صابری در اهواز می شناسد. و در پایان جوابشان اعلام میکنند: "نه تنها اعتصاب غذای حضرات که به وفور در بیشتر نقاط مملکت دیده میشود! در تصمیم ماخللی وارد نخواهد کرد. بلکه به آقایان اطمینان میدهم که غذای کافی و آمبولانس مجهز و شیشه های سرم در اختیار آنهاست، که هر وقت احتیاج پیدا کنند میتوانند استفاده کنند!"

ما احتیاج به اثبات میهن دوستی خود نداریم و در پیشگاه مردم ایران سربلند هستیم که همیشه از وحدت و یگانگی و تفامیت ارضی ایران دفاع کرده و خواهیم کرد. اما جناب آقای دادستان انقلاب اسلامی اهواز باید بدانند که اولاً به مصداق "گنه کرد در بلخ آهنگری به شوشتر زدند گردن مسگری" فعالیت های ضد انقلابی ها در خرمشهر را سازمان انقلابی در همان جزوه "آنچه که در خرمشهر گذشت" محکوم کرده است و ثانیاً چطور ممکن است کسی که در مقام دادستان انقلاب اسلامی اهواز عمل میکند بخود اجازه میدهد که افتخار نماید که مهم نیست در سراسر ایران اعتصاب غذا باشد و غذا و سرم هم مگر در زمان طاغوت چینی بر خوردهائی را بطور روزمره مردم شاهد نبوده اند؟

ما چنین حرفی را تابستنی آقای دادستان نمیدانیم و هشدار

گردهمائی...

بقیه از صفحه یک

امپریالیسم و هرگونه سلطه خارجی و موازنه منفی و بالاخره کوشش در وحدت کشورهای اسلامی است بیان کرد.

سیس بحث و ابراز نظر از جانب نمایندگان احزاب و سازمانها انجام گرفت. جلسه در مجموع خود بیانگر خواست برحق آندسته از سازمانها و احزاب استقلال خواه بود که بر گسب استقلال کامل سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ایران و مقابله با ابر قدرتها تاکید می نمودند.

در این جلسه نماینده دارو دسته کیانوری (حزب توده) مانند همیشه مشت خود را باز کردند و نشان دادند که در خدمت به سوسیال امپریالیستهای شوروی وفا دارند. منوچهر بهزادی نماینده حزب توده با حمله به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان اینکهدیلماسی ایران مخفی است ابراز کرد که سیاست عدم تعهد نادرست است زیرا در جهان کنونی دوجبهه امپریالیسم و ضد امپریالیسم وجود دارد. او گفت ایران باید در جبهه ضد امپریالیسم یعنی ضد آمریکا که گویا همان جبهه متحد با سوسیال - امپریالیسم شوروی است قرار گیرد. او گفت که بی طرفی نسبت به این دو صف بندی

مواضع ما...

بقیه از صفحه یک

کامل و عدم تعهد با کلیه کشورهای برمیبنای پنج اصل احترام متقابل به تفامیت ارضی و حاکمیت ملی، عدم تجاوز نظامی بیکدیگر، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، برابری و سود متقابل، همزیستی مسالمت آمیز.

۴- پشتیبانی و حمایت از نهضت های رهایی بخش ملی در مقابل امپریالیسم، سوسیال - امپریالیسم و استعمار نو و کهنه، صهیونیسم و نژادپرستی.

مواضع مادر باره ی مسائلی جاری مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران:

۱- ما از اقدام قاطعانه ی دولت جمهوری اسلامی ایران در قطع

یعنی شوروی در مقابل آمریکا نادرست است و بطور ضمنی اشاره کرد که باید طرفدار شوروی بود. این نظر نه تنها در جلسه طرفداری نیافت بلکه اکثر نمایندگان به روشنی آنرا رد کردند.

نماینده سازمان مادر اسپین نشست با اعلان پشتیبانی از اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که در دفاع از استقلال کشور و مقابله با امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت قرار داد، ابراز نمود: هسته مرکزی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مردم مبارز کشورمان با دادن شعار استقلال در انقلاب خود روشن نموده اند. او از نکته برجسته انقلاب اسلامی ایران یاد کرد که برخلاف نمونه های منفی که در مقابل با امپریالیسم زینفود شوروی کشیده شده اند و در واقع از جاله در آمده و به جاه افتاده اند، استقلال خود را حفظ کرده است. او ابراز نمود که این انقلاب نه تنها به امپریالیسم آمریکا ضربه زده بلکه در مقابل سوسیال - امپریالیسم شوروی نیز مقاومت کرده و می کند. او از ضرورت داشتن یک تصویر عمومی جهانی جهت اجرای مشی صحیح استقلال طلبانه یاد کرد و نکات زیر را بصورت پیشنهاد برای سیاستهای عمومی و مشخص کشور در وضعیت کنونی به وزارت امور خارجه و گردهمائی مذکور تقدیم کرد.

خطرات ناشی از آن برای کشور ما، بدین منظور علاوه بر اقدامات دیگر باید دست اتحاد را بسوی کلیه کشورهای که مورد تجاوز و فشار و آزار این ابر قدرت است هستند، دراز کرده و در عین حال دولت جمهوری اسلامی ایران باید هوشیاری مردم را از این وضع بالا برد. آزادیهای دمکراتیک بویژه در زمینه حقوق ملیتهای تحت ستم را بخاطر حل تضادهای درون خلقی میان اقشار و طبقات مردمی و تمام ملیتها را تا مین و بسط دهد تا قاطبه ی مردم ما از ملیتهای مختلف متحد و یکپارچه در مقابل اخلالگریها و تجاوزات بیگانگان و ابر قدرتها مقاومت نمایند. و بالاخره اقتصاد خودکفای ملی بر اساس کشاورزی را هر چه زودتر احیا کند. سیاست جمهوری اسلامی ایران

سرهنگی...

بقیه از صفحه ده

ما در زیر به نقل چند نکته از سخنان ایشان میپردازیم. * "دانشجو، کارمند، نظامی و روحانی همه و همه از قبیل بولی که مردم چه بعننوان مالیات یا خمس و ذکات می دهند، از بزاز می کنند. پس تفاجر مردم تفاجر به ولینعمت است و خیانت به ملت نمک خوردن و نمکدان شکستن" * "اگر بناست که ارتشی وجود داشته باشد، که باید هم باشد و ارتشی در خدمت مردم ایران، باید پرسنل آن جدا از مردم نباشند چه در اینصورت با هم از هدفها و آرمانهای ملی دور خواهند بود. پس ناگزیر در ارتباط با ملت خویش نظامیان نیز باید از کلیه حقوق و آزادیهایی که قانون اساسی برای مردم در نظر گرفته بهره مند و برخوردار گردند. قانون عادی و هر بخشنامه ای که نظامیان را از این حق و دیگر حقوق ملت ایران محروم کند دقیقاً برخلاف قانون اساسی است."

* "..... وقتی ارتشی که در آن جنگیدن به خاطر اعتقاد و آرمانهای ملی و منافع مردم بر جنگیدن بخاطر مزد و امرار معاش بچرید، دیگر نیازی به تبلیغ ایدئولوژی خاص هر یک از آنها (منظور احزاب سیاسی است - رنجبر) در داخل یادگانها نیست و خط مشی ارتش حفظ استقلال و تفامیت ارضی و آرمانهای ملی است که در برگیرنده و فراتر از هر نوع ایدئولوژی خواهد بود ولی ارتش سعی خواهد کرد تدریس مکاتیب سیاسی و اجتماعی موجود جهان را در برنامه های آموزشی خود قرار دهد تا پرسنل ناآگاه خود را در مسیر تحولات اجتماعی زمان بگذارد." * "همانطور که دیدیم تا موقعی که ملت اعتراض نکند فساد نرزد صدایش را کسی نخواهد شنید، ما بجای اینکه از حکومت انتظار داشته باشیم که باید هم داشته باشیم در خدمت خلق ها باشد و در جهت منافع مردم باید از ملت بخواهیم که آگاهانه سرنوشت خویش را بدست گیرد و خط مشی دولت و حکومت را خود تعیین کند تا ارتش که بازوی مسلح و نیرومند تمام خلقهای ایران است فقط و فقط به اراده ملت حرکت

امور نقش حساس دارند و در قدرت حاکمه عمل میکنند به پاسکساری نظرات و اعتقادات سیاسی خود بپردازند و از چیزی جز حقیقت دفاع نکنند. چرا؟ زیرا دشمنان انقلاب نه تنها از طریق تخریب آشکار و نهان بلکه از طریق ایجاد اغتشاش فکری و سفید را سیاه جلوه دادن به ایجاد یا دامن زدن به تفرقه در صفوف خلق، فعالیت‌های ضد انقلابی خود را پیش میبرد. افتادن بدام تبلیغات دشمن به عدم تشخیص دولت از دشمن میانجامد و مبارزه مشترک با دشمن، نیروهای خلق را تضعیف میکند و به قدرت ضد انقلاب افزوده میگردد. آنوقت است که ضد انقلاب از بالای کوه، نبرد ببرها را در ته دره تماشا کرده و منتظر میایستد تا آنها همدیگر را پاره کنند و بعد با خیال راحت به پائین دره میآید تا پوست ببرها را کنده و با خود ببرد.

مردم شاهد نبوده اند؛ ما چنین حرفی را شنیدیم آقای دادستان نمیدانیم و هشدار میدهیم که مردم مقامات رانسه بر اساس مقام بلکه بر اساس خود عملشان ارزیابی میکنند و نباید کاری کرد که بجای متحد کردن مردم و گسترش وحدت آنان در کلمه و عمل، تفرقه و بدبینی و تضعیف صفوف خلق دامن زده شود و نهایتاً میدان از دست مستضعفین بدست مستکبرین بیافتد بنابراین اینهم قانونی اجتناب ناپذیر در تاریخ است که اگر در ادامه انقلاب دوستمان و دشمنان از هم باز شناخته نشوند و بجای گسترش وحدت خلق در مبارزه علیه دشمن، مردم بجان هم بیافتند، آگاهان و ناآگاهان که سانیکه چنین عمل کنند آب به آسیاب ضد انقلاب میریزند و نتیجه ای جز شکست، جز در نیمه راه ماندن انقلاب ۱۵ ساله اخیر ایران ببار نخواهد آورد.

رهنمودهای

بقیه از صفحه دهم

دادند که: "اما در برخورد با گروهها، باید برخورد سالم باشد که اسلام حتی با دشمنان هم با مسالمت رفتار میکند". تجربه چند ماهه اخیر نشان داده است آنان که جز این رفتار میکنند، در جهت خلاف مصالح توده مردم و برخلاف رهنمود امام گام برمیدارند و بناچار آب در آسیاب دشمن میریزند و حیثیت اسلام ساز را لکه دار میکنند، طرد روحانی نماها از بیسن روحانیون و طرد عوامل ناپاک از بین پاسداران انقلاب و برخورد صحیح نیروهای اسلامی به سایر نیروهای سیاسی جامعه، همگی در خدمت تحکیم وحدت و یکپارچگی مردم میهن ما است. از اینروست که ما این سه رهنمود مهم امام را نکاتی اساسی برای تحکیم وحدت خلق و ادامه پیروزمند انقلاب محسوب می‌دانیم.

برادران صابری...

بقیه از صفحه دهم

اسلام، جمهوری اسلامی و دولت مرکزی ظاهر میشوند و با رد دیگر در لباس "مدافعین خلق عرب" تلاش میکنند تا مبارزه خلق عرب خوزستان برای رفع ستم ملی و خودمختاری در چهارچوب ایران را به جنگ دولت مرکزی و خلق عرب بکشانند. اما چرا گاهی این توطئه‌ها در میان صفوف خلق موثر واقع میشود؟ علت را باید در دو انحراف جستجو کرد: - انحرافی که ستم‌دیدی خلق عرب و حق خودمختاری او در چهارچوب ایرانی مستقل و متحد را نفی می‌کند و حرکت محق ملی خلق عرب را یک "توطئه" می‌بیند و خواستار سرکوب آنست. - انحرافی که در لباس "جپ" انقلاب اسلامی را نفی می‌کند و تلاش می‌نماید از جنبش ملی خلق عرب برای مبارزه با انقلاب سود جوید.

۱- ما از اقدام قاطعانه‌ی دولت جمهوری اسلامی ایران در قطع رابطه با اسرائیل و آفریقای جنوبی دفاع میکنیم. پشتیبانی دولت ایران از جنبش آزادیبخش خلق فلسطین به رهبری (پی. ال. ال. او) بعنوان تنها نماینده‌ی قانونی خلق فلسطین درست میدانیم. ۲- ما معتقدیم به اقدامات دوران پیشانی قدم بقدم استوار در لغو و برانداختن قراردادهای ظالمانه و استثماری که طی سالهای طولانی توسط استعمارگران و امپریالیستها به کشور و مردم ما تحمیل گشته است، میباشیم. این رابطه دولت باید در لغو قرار داد دوجانبه ایران و آمریکا و قرار داد ۱۹۲۱ با اتحاد جماهیر شوروی که در اوضاع کنونی میتواند مستمسک تجا و زق را گیرد، سریعاً اقدام نماید. ۳- توجه به رقابت شدیدی سلطه‌گرایانه‌ی امپریالیستها بویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی در جهان و خاورمیانه و خطر درگیری و جنگ ناشی از این رقابت و تدارک دیدن در مقابل

هر دوی این انحرافات، وحدت جمهوری اسلامی و خلق عرب را نفی کرده و بدان ضربه میزنند. ما معتقدیم که مسئولین محلی ارگانهای مختلف انقلاب باید مرز روشنی با ایندو انحراف ترسیم کرده آنها را طرد نمایند، تا اینکه ناخودآگاه به تفرقه میان خلق انقلاب، به ایجاد محدودیت و تضییقات برای نیروهای انقلاب کشانده نشوند.

ما معتقدیم جریان برادران صابری این آموزش بزرگ را برای همگی دارد که برای ادامه انقلاب، تعیین کننده در پیش گرفتن یک سیاست صحیح است، سیاست پافشاری بر روی وحدت بزرگ خلق بر اساس سه اصل استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و طرد انحرافات گوناگون در این سه زمینه.

خودکفای ملی بر اساس کشاورزی راه رجه زودتر احیاء کند. سیاست جمهوری اسلامی ایران در مورد مسئله افغانستان: ۱- عدم دخالت در امور داخلی افغانستان. ۲- افشای دخالت اتحاد شوروی در امور داخلی افغانستان و اعتراض به تهدیدهای رسمی و غیررسمی آن دولت نسبت به ایران. ۳- افشای اهداف توسعه طلبانه‌ی شوروی برای رسیدن به آبهای گرم بحر عمان در جنوب شرقی ایران و اعتراض به آن و مقابله‌ی شکننده و فعال با توطئه‌ها و تحریکات ناشی از این سیاست در بلوچستان و این بخش از منطقه. ۴- آزاد گذاشتن مردم برای حمایت و همیستگی با مبارزات خلقهای افغانستان. سیاست دولت ایران نسبت به عراق باید مبتنی باشد بر: ۱- دفع قاطعانه‌ی حملات عراق و جواب دادن به هرگونه عملیات مداخله جویانه‌ی آن. ۲- کوشش برای رفع اختلافات موجود از طریق مذاکره و مسالمت. سازمان انقلابی ۱۳۵۸/۴/۷

باشد تا این واقعه، آموزشی برای همگان بوده و درسهای آن در خدمت ادامه پیروزمند انقلاب قرار گیرد. زنده باد وحدت ضد امپریالیستی خلقهای ایران. نابود باد ستم ملی مرگ بردو ابر قدرت جهان خوار آمریکا و روسیه.

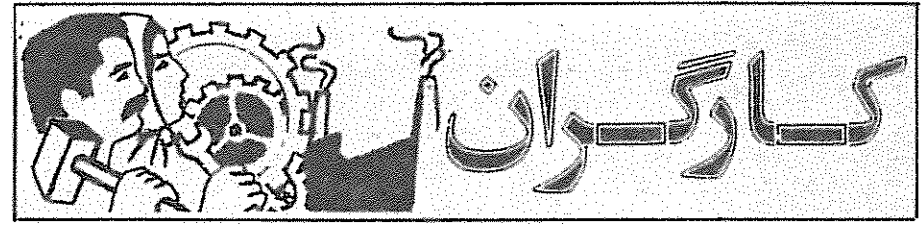
آقای سفیر...

بقیه از صفحه دهم ابرقدرتها گرفته شود. نه اینکه در خسرف بر استقلال تاکید شود اما در عمل قراردادها بی‌بسته شوند که ایران ما را به ابرقدرتها وابسته نماید. ما خواهان تجدیدنظر در قراردادهای گزاف ایران و شوروی بنفع ایران و لغو آن در صورت عدم تأمین منافع ملی ما، برنا مه ریزی از طرف دولت برای ایجاد

تا ارتش که بازوی مسلح و نیرومند تمام خلقهای ایران است فقط و فقط به اراده ملت بحرکت در آید. مردم نباید از ناراضیها و از اعمال ضد انقلابی عده‌ای سرسپرده بیگانه و مرتجع مایوس شوند و خود را از صحنه سیاسی کشور کنار بکشند زیرا بی تفاوتی مردم به اختناق کمک میکند و اختناق موجب پیدایش دیکتاتوری دیگر میشود. برای رسیدن بدین مقصود چاره‌ای جز آگاهی تمام توده‌ها بنظر نمیرسد. "خطاب من به روشنفکران است که بار تعهد و مسئولیت اجتماعی را بدوش میکشند، باید بزبان توده‌ها سخن گویند، تاد گوش و جان آنها فرو نشیند. روشنفکران اگر بار دیگر به لاک خود فرو روند، و به تریاه‌ها و رستوران‌ها و شب نشینیهای مخصوص خود بازگردند و فقط در تصورات خود غم مردم خورند از نظر ملت ایران خشیده نخواهد شد."

دادگاه...

بقیه از صفحه ده میدهند رژیم منحل پهلوی نه تنها روحانی نماهایی تربیت کرده و بمیان مردم میفرستاد بلکه با اجبر کردن معدودی گمراه روحانی نما سعی مینموده روحانیون را طرفدار رژیم کثیف پهلوی قلمداد نماید. اما تیر پهلوی ها به سنگ خورد و در آغوش بود که به زباله‌دان تاریخ سپرده شد. تصفیه اینگونه روحانی نماها از صفوف جنبش اسلامی به نفع خلق و کشور است و خلوی توطئه‌های عوامل امپریالیسم و ارتجاع را در لباس روحانی سد میکند. ما از اقدام دادگاه روحانیت شیراز حمایت کرده و آنرا نمونه خوبی میدانیم که باید دستگاہهای دولتی و کمیته‌ها در پاسکساری خویش از آن پیروی کنند. امکانات بخاطر فروش گزاف با زار بین المللی و از بین بردن انحصار خریدگاز از طرف شوروی هستیم.



کارگران

قوانین ضد کارگری را لغو کنید

در ماده ۹ لایحه قانونی تشکیل دادگاههای فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب که به تصویب شورای انقلاب نیز رسیده است آمده که: "اعمال اشخاصی که به نحوی از انحاء در امور کارگاهها و کارخانجات کشور اخلال و کارگران را تحریک و تحریص به تعطیل کار و کارگاه و کارخانه نمایند ضربه زدن به مصالح عمومی و استقلال اقتصادی کشور از جرائم ضد انقلابی است و مرتکب بر حسب درجات جرم طبق تشخیص دادگاه به کیفر جنائی درجه ۲ از دو سال تا ۱۰ سال محکوم میشود."

این قانون جدا از نیت تنظیم کنندگان نمیتواند بصورت حربهای در دست ضد انقلاب و کارفرمایان استثمارگر در سرکوب کارگران زحمتکش در آید تا بگویند که گویا اعتصابات کارگری عملی "ضد انقلابی" است چرا که بزعم ماده ۹ هر عملی که به تعطیل کار و کارگاه و کارخانه منجر شود عملی "ضد انقلابی" میباشد.

پس از پیروزی انقلاب ما شاهد نقش آرنده و تحسین برانگیز کارگران در بیرون راندن عوامل سرسپرده رژیم سابق و وابستگان به امپریالیسم و تصفیه و پاکسازی محیط کار خود از این زالوها که کاری جز حفظ منافع بیگانگان در میهن ما را بعهده نداشته اند بودیم هر بار که به درخواستهای بحسب کارگران در زمینه های سیاسی (بیرون راندن عوامل مزدور و وابسته بیگانه و تامین حقوق دمکراتیک کارگری) و معیشتی (بالا بردن حقوق، بیمه، بهداشت، مسکن و...) پاسخ مثبت داده شده است کارگران انقلابی میهن ما با شور و شوقی بیحد مشغول امر تولید و بازسازی ملی شده اند و در عوض هرگاه که در مقابل

اجرا کردن خواسته های انقلابی آنان تعلل یا کوتاهی گردیده است آنان با اعتصاب و تحصن خواسته های قانونی و حق خود را مطالبه نموده اند.

حق اعتصاب از ابتدائی ترین و اساسی ترین حقوق طبقه کارگر است، اعتصاب ابزار کارگران برای بدست آوردن خواسته های آنهاست. مسلماً در مواردی نیز عناصر ضد انقلابی و نیروهای که ماسک "چپ" برچهره دارند برای اخلال در کار بازسازی ملی، کارگران را به تعطیل کار و کارگاه و ضربه زدن به استقلال اقتصادی کشور دعوت کرده اند،

ولی همواره آگاهی و هوشیاری خود کارگران در هم کوبیده این توطئه ها بوده است.

دولت و شورای انقلاب و مسئولین باید در سرکوب ضد انقلاب و براه انداختن بازسازی ملی در کارگاهها و کارخانجات به کارگران تکیه کنند و در وحدت با آنان است که به پیروزی بر ضد خلق دست می یابند. راه حل منطقی و انقلابی، شناختن حقوق سیاسی و منفی طبقه کارگر است و نه سرکوب کارگران و نقض حقوق آنها.

کارگران انقلابی میهن ما آگاهند، آنها بخوبی نقش حساس خود را در مرحله کنونی و مراحل بعدی انقلاب درک میکنند اما آنها خواسته های رفاهی و حقوق دمکراتیک کارگری خود را میخواهند و هیچ قانون سرکوبگری هم در گذشته نتوانسته و در آینده هم نمیتواند از حرکت نیرو منهد جنبش کارگری جلوگیری کند.

ما از دولت و شورا ی انقلاب میخواهیم که این ماده ضد کارگری را از این لایحه حذف و با توجه به نکات نامدرست دیگر موجود در این قانون، در لغو آن فوراً اقدام نمایند.

کارگران و کارکنان راه و ترابری گران عاملین رژیم سابق را افشاء میکند

کارگران که از طرف ساواک گران، فرماندهان دکان "شیرازی"، "دیبا" (بسرعموی شاه خائن)، انصاری (معاون اجرائی اداره راه) حمایت میشد، این اداره را بصورت لائیه جاسوسی علیه کارگران و کارمندان شریف کشورمان در آورده بود. او بخاطر نوکری و خوش خدمتی به اربابانش از هیچگونه زور و قلدری، شکنجه، فحاشی، کتک و تبعید خودداری نمی نمود. اداره راه گران را بصورت نیمه ساواک در آورده بود. در این اداره ورود افراد اکیدامنوع و مورد تفتیش قرار میگرفتند و حتی کسی نمیتوانست برادرش را در اداره ملاقات نماید. اگر می فهمید ننگبانیان و تلفنجی مورد بازجویی قرار میگرفتند. در اداره آژیر خطر کارگذاشته بود که هر چند وقت یکبار بخاطر ترس و وحشت کارمندان آنها را بی جهت به خیابان میریخت. این آژیر در کارگاه برای کارگران هم کارگذاشته شده بود. در تمام اطراف بدون استثناء دستگاه آیفون نصب شده بود جهت کنترل کارمندان. آوردن رئیس ساواک در اداره و کارگاه جهت قدرت نمایی و ایجاد ترس و وحشت در میان کارگران و کارمندان، تهدید کردن کارگران به ساواک و فرستادن آنها به این لائیه جاسوسی، زیر فشار گذاشتن آنها از طریق پرونده سازی، انتقال بشهرهای دیگر، تبعید کردن و دور از خانواده نگهداشتن، دزدیهای بی حد و حساب از روی حقوق کارگران و کارمندان از روی ساختمان:

گزارشی را که در زیر میخوانید داستان سالها اختناق و شکنجه واحفافی است که در حق کارگران و کارمندان این اداره میکردند. اداره های که وسیله ای شده بود برای دزدیها و خیانتها. منتهی برای اینکه بتوانند دزدی بکنند برای اینکه بتوانند حقوق کارمندان و کارگران را پایمال کنند احتیاج به خفقان، وحشت و پاپوش درست کردن برای کارگران و کارمندان عزیز کشورمان بود و برای اینکه این خفقان و زور و جویی را تثبیت نمایند میبایست دستگای این عوامل را حمایت نماید. عوامل این اداره بوسیله ساواک جهانی گران بطور مستقیم حمایت میشد. ساواک مستقیمادر این اداره بازجویی میکرد شکنجه میداد، پرونده میساخت چراکه عوامل ساواک هم در این اداره منافع داشتند. اتفاقاتی که در این اداره افتاده در کمترین اداره ای مشاهده میشود و با اگر هم باشد بشدت این اداره نخواهد بود. از طرف دیگر همین عوامل هنوز هم از اداره جات پاکسازی نگردیده اند و این عوامل ضدملی و ضد کارگری ساواک و عناصر وابسته بآن ریشه ای اساسی ناسامانی های آینده خواهند بود.

"احمد کمیلیان" رئیس سابق اداره راه و ترابری

گزارشی از معدن سولفات

* یکی از کارگران معدن سولفات شرکت "تهران کیمیکال" در نامه ای مینویسد:

این معدن بعلت دور بودن از شهر دچار مسائلی است. از آن جمله اینکه حدود چندین ماه قبل از انقلاب و نیز تا بحال، این کارخانه در بلا تکلیفی بسر میبرد. زیرا نه لاجوردی که سها مدار و صاحب این تاسیسات است به وضع آن رسیدگی میکنند و دولت موقت.

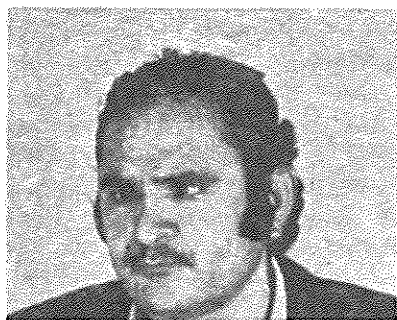
در چنین شرایطی که همه جا صحبت از سازندگی است، چراکسی به داد و دات معدن، سنگ سولفات

سازی خانه های سازمانی، از روی زمینهای که متعلق به کارگران و کارمندان بود و ماشین آلات، این جزئی از. خیانت های این عوامل رژیم منفرجه بود. حقایق بسیار تاسف است که "کمیلیان" را بحای اینکه بیای میز محاکمه بکشند پستی بالاتر از آنچه قبلاً داشت با و داده اند و هم اکنون مدیرکل اداره راه و ترابری رشت شده است.

قبل از اینکه پای صحبت کارگران و شکایات آنها بنشینیم یک مسئله را در مورد زمینها و تقسیم غیر عادلانه آن توضیح بدهیم. یکی از مالکین گران با این شخص زد و بند داشت مقدار ۶ هکتار زمین زراعی خود را بخاطر اینکه به زمین مسکونی تبدیل نماید، بعنوان کمکی " بطور رایگان" در اختیار این اداره گذاشت که ۳ هکتار آنرا برای افراد خانه سازی کردند و بقیه آن را در میان خودشان که بیشترش حدود ۲۸۵۰ متر مربع میباشد تقسیم کردند. مکانی که برای ساختمان سازی انتخاب کردند، اصلاحی مسکونی نیست و چیزی شبیه زندان و در دور افتاده ترین منطقه گران روی تپه ای قرار دارد که از هیچگونه امکاناتی برخوردار نیست. این خانه ها را در مقابل ۵ الی ۶ هزار تومان پول به کارمندان واگذار کرده و این چنین اخاذی معلوم نیست بجه منظور صورت گرفته و پول آن کجا رفته است. برای خرج این ساختمانها (۳۲ دستگاه) از امکانات اداره منجمله کارگر ساده شوکار، برقکار و ماشینهای اداره استفاده کرده منتهی از دولت پول گرفته.

بقیه در صفحه ۸

درد دل «لطیف»



۱۴ سال پیش بعنوان کمک را ننده در اداره راه و ترابری و راننده غلطک گران مشغول بکار شدم. در تاریخ ۵۰/۶/۲ حین انجام وظیفه رانندگی روی غلطک در جاده ینها رخوران (۵ کیلومتری گران) بعلت در رفتن دنده ی غلطک چون در سبالتی بودی زیر غلطک می افتم و هر دو پاها بیم زیر چرخهای غلطک میماند که منجر به قطع شدن پاها نمیشد.

مباشور شوقی بیخسید مشغول امر تولید و بازسازی ملی شده اند و در عوض هرگاه که در مقابل

با توجه به نکات یاد شده در صورت موجود در این قانون، در لغو آن فوراً اقدام نمایند.

در باره گزارشی از

کارخانه ایران دوچرخ

قراردادی که بعضی از آنها ما شین هم مال خودشان است، می دهد و در نتیجه، نسبت به بقیه راننده ها تبعیض قائل شده و آنها را از درصدی که می توانند از این طریق دریافت کنند، محروم میسازد و بقیه در صفحه ۸

بدنیال چاپ گزارشی تحت عنوان "نگاهی به کارخانه ایران دوچرخ در شماره ۱۳ رنجبر" سه تن از اعضای شورای کارگران این کارخانه به دفتر رنجبر مراجعه و ابراز داشتند که پاره ای از مطالب این گزارش منطبق بر واقعیت نیست. خبرنگار رنجبر، ضمن مراجعه به کارخانه و گفتگو با اعضای شورای کارگران و تعدادی از کارکنان این کارخانه و بررسی مسائل مورد اعتراض، بقیه واقعیت های زیر دست یافت:

۱- در گزارش ذکر شده، تعداد کارکنان کارخانه ۱۵۱۷ نفر قید شده بود. پس از بررسی معلوم شد که تعداد کارکنان در حال حاضر حدود ۱۱۳۵ نفر است. این تفاوت ناشی از بازگشت تعدادی از کارکنان اخراجی کارخانه در فاصله دریافت گزارش تا زمان چاپ آن در رنجبر است.

۲- در گزارش آمده بود که "در مجموع، کارگران نسبت به گذشته، کمتر فعال هستند و تولید کارخانه پائین آمده". با مراجعه به دفاتر کارخانه و مقایسه میزان تولید کارخانه در سه مقطع زمانی مختلف (قبل از انقلاب، پس از پیروزی انقلاب و زمان حاضر)، معلوم شد که اگرچه تولید کارخانه در مقایسه با قبل از انقلاب در مجموع افزایش چشمگیری یافته است، ولی متوسط تولید روزانه کارخانه هنوز به سطح زمان قبل از انقلاب نرسیده است و از آن پائین تر است. در حال حاضر، افزایش تولید، نشانه فعالیت خستگی ناپذیر کارگران و کارکنان زحمتکش و میهن دوست کارخانه میباشد.

۳- مسئله سوم، مربوط به سرپرست ترابری کارخانه بود که بنا به گزارش چاپ شده "همیشه سعی کرده که بین رانندگان و کمک رانندگان چند دستگی ایجاد کند. این شخص، مسافتهای طولانی را به رانندگان

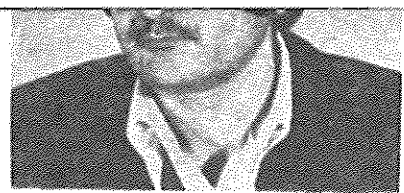
در چنین شرایطی که همه جا محبت از سازندگی است، چرا کسی به داد این معدن بزرگ سولفات نمیرسد؟ ما میخواهیم زمانی را که بعنوان کار صرف میکنیم مفید باشیم نه اینکه بخاطر یک مقدار پول بعنوان حقوق بی جهت بسرکار رفته و بی نتیجه بازگردیم. ۱- ما خواستار رسیدگی هر چه سریعتر به وضع این معدن هستیم. ۲- ما خواستار بازگشت چهار نفر از همکاران خود که بعنوان کم کاری و اغتشاش اخراج شده اند هستیم.

پای صحبت یک کارگر بیکار عرب

کارگری هستم که تقریباً یکسال است بیکارم، ۵۰۰ هزار تومان دارم و جزء خلق عرب هستم. پیش از سی سال عمر دارم و ۱۲ سال در کارخانه یخساز یاروزی ۷ تومان کار میکردم. بعد از آن بر تندی پرداختم. سرانجام بعنوان راننده سازمان آب و برق استخدام شدم. ۳ سال بطور رسمی در آنجا کار میکردم چون حقوقم جمعاً ۱۷۰۰ تومان بود و نمیتوانستم خانواده ام را تامین کنم استعفا دادم و یک تاکسی با هرجان کندی بود خریدم. بعد از چند ماه که انقلاب هم اوج گرفت بچه هایم بمرض شدند مجبور شدم برای نجات آنها ماشینم را بفروشم. حالا مدتی است که اصلاً هیچکاری ندارم. به سازمان بقیه در صفحه ۸

کمک لکوموتیورانها

بطوری که اطلاع یافتیم کلیه کمک لکوموتیورانان ناحیه تهران بخاطر حقی که از آنها گرفته شده همداری به روسای مربوطه خود داده اند. آنها میگویند مدتی قبل یا بهتر بگوئیم در دوران طاغوت، کارشناسی از طرف سازمان امور استخدامی کشوری به راه آهن مراجعه کرد و عده ای که از نظر کاری و ارزش شغلی در رده های پائین تری نسبت به کمک لکوموتیورانان قرار داشتند، با پرداخت مبلغ قابل توجهی به عنوان پول جای به ایشان، از نظر شغلی در ردیف بالاتری قرار گرفته و در نتیجه مزایای بیشتری برایشان در نظر گرفته شد. در این زمان که تا حدودی بهتر میتوان احقاق حق نمود کلیه کمک لکوموتیورانان متنبی تهیه و تقاضای احقاق حق خود را نمودند و به روسای مربوطه تماس گرفتند. ۵۸/۵/۲۰ مهلت دادند تا اگر بخواستند بایشان رسیدگی نشود از تاریخ فوق متحضر خواهند شد.



غلطک میا فتم و هر دو پاهایم زیر چرخهای غلطک میماند که منجر به قطع شدن پاهایم میشود. بعد از ۲ سال در بیمارستان طرفه تهران تحت درمان بودم و بعد از اینکه از بیمارستان مرخص شدم بجای اینکه مرا بعنوان راننده ی غلطک معرفی نمایند، بعنوان کارگر سنگ جمع کن در لیستها صورت دادند. در حدود ۵۰ نفر از کارگران شهر دادند که من راننده غلطک بودم و استشهاد درست کردم و به دستگاه های دولتی فرستادم. از آنجا یک کسبه رئیس اداره "احمد کمیلیان" بامن خصومت داشت و نمیخواست مسئولیت این حادثه را بعهده بگیرد، بکمک یکسری از همکارانش چون "ستارزاده" و "محمد ابراهیم ابراهیمی" و "محمد ابراهیم ابراهیمی" استشهاد درست کردند.

بخاطر اینکه من راننده غلطک معرفی نشوم تمام کارتهای حقوقی ام را سوزاندند. من را یکسال چون خانه ای سازمانی نداشتم به گنبد فرستادند و از آنجا یک کسبه اعتراض داشتم به اجزای که به زندگی ام شده تمام اسباب و اثاثیه ام را از خانه سازمانی بافحاشی بیرون ریختند و دوباره بگرگان فرستادند. در آنجا من بعنوان کنترل چی یعنی نگهبان ماشین آلات، کنترل کارتهای کاری و وسایع آنها و کنترل کارگاه گمارده شدم و چون این شخص با همه من جمله من خصومت داشت حکم من را بعنوان نظافت چی صادر کرد که کنترل چی ۴۰۰ ریال حقوقش هست و لایحه نظافت چی ۲۵۷ ریال.

"کمیلیان" حتی مسدود کرد تحصیلی ام را که گواهینامه ششم ابتدائی است، در حکمهای اداری منظور نمیکرد. بخاطر اینکه حکم رایایمال نماید همیشه سعی میکرد بوسیله ای متوسل شود و برای من پایش درست کند. در اداره مجسمه ای از شاه خائن بود که معلوم نبود چه کسی آنرا شکسته است. او هر وقت میخواست ما را تهدید کند این را وسیله ای قرار میداد که بتواند ما را به ساواک بفرستد و بارها هم همین کار را

کرد. به شکایات تلگرافها و نامه های من هیچ دستگاه و مقامی ترتیباً نرنمیداد و "کمیلیان" هم میگفت: "تو هر اقدامی بکنی مقامات تنبیتوانند رسیدگی کنند". اگر کمسانی هم جهت رسیدگی و بازرسی میامدند بکراست میرفتند و سویی اطلاق و بیک صورتجلسه قلابی درست میکردند و حق بجانب آقای رئیس میدادند و میرفتند. در این مورد تمام کارگران و کارمندان شاهند. من بجهت مریض بودم و ساعت مرخصی خواستم بمن ندادند و بجهت مرد شکایتی با نضمام گواهی فوت بجهت درست کردم از آنجا یک دادستان با رئیس اداره زدوبند داشتند گفتند: اگر عقب تا ما را بگیرد خودت میدانی.

من میدانم در مقابل شما خبرنگار "رنجبر" از خوشحالی باید بخندم یا گریه کنم زیرا تا بحال هیچکس بدردم من گوش نکرده هیچکس به کارهای ما رسیدگی نکرده هیچکس با ما مصاحبه نکرده من امروز سراپا خوشحالم از خوشحالی خیلی از مسائل فراموش شده. هم اکنون من در ماه ۱۲۰۰ تومان با اضافه ۷۵۰ تومان اضافه حقوق در آمد دارم آقای "غلامی" رئیس اداره از زمانیکه با این آمده من را از روز مزد به پیمانی تبدیل کرده است. همچنین آقای "گمانگری" که من از این آقایان ممنونم. این حقوق حوابگوی من نیست من یک کارگر زحمتکشی هستم. متکی بخودم میباشم و هنوز هم می بینم سر حالیم. ولی از طرفی باور کنید دیشب پول نداشتم نان بخرم. ۵ بچه دارم زن من هم اکنون برای تامین خانواده لباس شوئی میکند، چون شوئی باها هم خوب گذاشته ام هر سال جهت تعمیر آن که شکاف بر میدارد باید ۲۰۰۰ تومان خرج کنم هر بقیه در صفحه ۸

پایان خدمت به افراد متفورو
طرد شده ...
جلوگیری از انتشار نشریه
داخلی بمنظور عدم اطلاع همکاران
شهرستانی از برنامه‌هایی که

قراردادهای ...

بقیه از صفحه ۵۵

بطور عام از استقلال کشور صحبت
ولی از کنار مبارزه برای لغو این
دو قرارداد در شد. امروز
عوامفربانه تر خواهد بود که
از لغو قراردادها صحبت شود ولی
تنها لغو قراردادها ...
امپریالیسم آمریکا عنوان گردد.
زیرا بمحض کنار گذاشتن خواست
لغو قرارداد با شوروی بدون
برورگرد حق دخالت نظامی و
سیاسی امپریالیسم شوروی
در ایران پذیرفته میشود. دلیل
ما خود قرارداد ۱۹۲۱ و بویژه
بند ششم آنست.

دارودسته کیانوری که در
راس حزب توده قرار داشت و
بمنا به ستون پنجم سوسیال -
امپریالیسم شوروی در ایران
عمل میکنند و هیچکس در وابستگی
آنها به شوروی تردیدی ندارد چه
میگویند؟ آنها میگویند فقط
قرارداد با آمریکا باید لغو
شود. و پیشنها دجبهه متحدی علیه
امپریالیسم آمریکا را میدهند.
این در واقع هسته مرکزی سیاست
صدراتی سوسیال امپریالیسم
شوروی برای کشورهای است که
تحت ستم امپریالیسم آمریکاقوار
داشته اند. هدف آنها همواره یک
چیز است: زدن آمریکا و جانشین
ساختن شوروی بجای آن از طریق
نوکران مسکو و یا حتی دخالت
مستقیم مسکو. هدف دارودسته
کیانوری از چنین پیشنهادی
تلاشی برای حفظ قرارداد ۱۹۲۱
ایران و شوروی است که رسماً
به شوروی حق دخالت آشکار در
ایران را می دهد. ایستادن
دارودسته در وصف این قرارداد
بسیار نوشته اند و آنرا ضامن
و حافظ استقلال ایران نامیده اند.
آنها میگویند این قرارداد
است که لنین کبیر با ایران
منعقد کرده است و هدف آن مبارزه
با امپریالیسم است.

و اعتقاد عداکند نهیرا پنجین
بالاست آنها نمونه های خوب مردم
انقلابی میهن ما هستند. مردمی که
باید تکیه گاه واقعی انقلاب
و دولت باشند.

ولی باید گفت حال دیگری
نه لنین و لنینیسیم براتحاد
شوروی حاکمیت دارد و نه ایران
کشوری در زیر چکمه رضا خان
وابسته به انگلیس است. امروز
ارتیه گرانقدر لنین در روسیه
شوروی بدست رویزیونیستها بر باد
رفته و شوروی بیک ابرئیسزدت
متجاوز سرگرده گرای امپریالیستی
بدل شده است. امروز ایران به
یمن انقلاب اسلامی از اسارت
سلطه ننگین پهلوی رهائی یافته
و کشوری است که در راه بدست
گرفتن سرنوشت خود گام برمیدارد.
اگر این قرارداد در زمان

عقد آن میتوانست سدی برای
مداخلات امپریالیسم باشد امروز
بصورت اجازة نامه ای در دست
سوسیال - امپریالیسم برای
تجاوز به میهن ما مبدل شده است.
امروز این قراردادها نقد روشاید
هم بیشتر از قرارداد های اسارتبار
با آمریکا خطرناک است. از سوی
دیگر در لغو این قرارداد تحت
عنوان اینکه "باید قدم بقدیم بجلو
رفت و تضا دعه با آمریکا" میتواند
تعطل شود. اما چگونه میتوان تحت
عنوان قدم بقدیم جلورفتن، استقلال
کشور را با حفظ و قبول یک قرارداد
اسارتبار، آنها با یک قدرت
امپریالیستی مهاجم، بخطر
انداخت. به چهار گوشه جهان نظر
افکنید، به آسیای جنوب شرقی،
افغانستان، آفریقا، اروپای
شرقی و ... آنوقت بگوئید آیا
چنین قدم بقدیم عمل کردن مانند
سررا زیر برف کردن نیست؟
امپریالیسم روسیه از با ما شام
در باره "دوستی با ملل و دفاع از
آزادی" آنها صحبت میکنند ولی اگر
کوچکترین تردیدی دارید به استقلال
افغانستان بنگرید تا از خواب
غفلت بیدار شوید.

خلاصه کنیم با هیچ عذر و
بهانه ای نمیتوان حفظ قرارداد
۱۹۲۱ را توجیه کرد. دفاع از آن
نه تنها یک اشتباه بلکه یک خیانت
ملی است.

با قبض معمولی از ما پس گرفت.
* بیژن عبادی (انباردار): پنج
سال کار میکنم، او یک ضدکارگر
بود. معمولاً کارگرهای روز مزد را
میبايست بعد از ۳ ماه بیمه کنند
و اوسه ماه از آنها کار میکشید و قبل
از سه ماه آنها را بیرون میکرد که
بیمه تعلق نگیرد. بخاطر لحظه ای
استراحت ما را زیر فشار میگذاشت
و کتک میزد. از زمانیکه به این
اداره آمدم با کارهای ضد مردمی
او روبرو بودم. از مایول کسور
میکرد بخاطر اینکه در روزنا مه
آیندگان تبلیغات کند.

* ابراهیم خلیل مومنی (کارمند):
۱۶ سال کار میکنم، من سرپرست
اکتپشن ریزی بودم. بمن گفت
تو باید در کارگاه خیرجین باشی و
خبرها را برای من بیاوری. چون
من قبول نکردم، حدود ۲ سال من
را بیکار نگه داشت مزایای من را
قطع کرد و بخاطر بیکاری که اعتراض
میکردم میگفت ترا تحویل ساواک
میدهم.

* غلام فراهی (کارگر ساده): ۲۵
سال کار میکنم، برای بیرون
کردن من نامه ای نوشت که باید
امضا کنم چون امضا نکردم پینج
شنبه روز زن و بچه مرا در شهر بانی
حبس کرد.

* عباس ملاحی: فحش و کتک یک
چیز عادی بود، دزدی بوسیله
کارتهای کارگری هم چنین چون
اخراج نامه ها مان را امضا
نمیکردیم ۲۴ ساعت زن و بچه مان را

لغو قرارداد های نظامی
ایران با آمریکا و قرارداد ۱۹۲۱
با روسیه، امروز برای ایرانی
که به سرنوشت انقلاب اسلامی و به
سرنوشت خلقهای ستمدیده ایران
علاقه منداست، در صدر مبارزه قرار
گرفته و بصورت یک خواست فوری
و مبرم در آمده است.

لغو این دو قرارداد ضامن
پیشرفت فعال و با ابتکار مبارزه ای
ضد امپریالیستی ملت ما است. ما
از همه نیروهای استقلال طلب
ایران، خواه از مقامات مسئول
یا غیر مسئول دعوت میکنیم هر چه
زودتر به این خواست برحق، پاسخ
گوئید و انقلاب را یک گام دیگر برای
تأمین استقلال کامل میهنمان
بجلو ببرند.

تبعید کرد، به بهانه های مختلف
اذیت میکرد و مرا تحت کنترل
داشت، فوق العاده ای من را قطع
کرد، با حقوق و مزایای ۱۷۰۰۰ تومان
من را در گنبد منصدی امور دفتری
و با یگانی گذاشت و من را سه بار
به ساواک تهدید کرد.

* محسن بناء پور: ۱۶ سال دارم
کار میکنم ولی هنوز مسکن ندارم،
"کمیلیان" تا آنجا تیکه از دستش
بر میآید مرا در تحت کنترل و
تعقیب قرار میداد تا بتواند حقوق
آنها را بپمال کند. به کارگران
میگفت ما شما را بیمانی میکنیم
اگر نخواهید کار کنید باید ۱۰۰۰۰۰
تومن بدهید و بروید. او محیط کار
را بصورت پادگان در آورده بود
هر کس ریش میگذاشت و یا مویش را
بلند میکرد بهر طریقی شده باید
از ته بزند در غیر اینصورت اخراج
میشد و توبیخ و جریمه و مورد توهین
قرار میگرفت. دو نفر از کارگران
بخاطر اینکه با او "تو" گفته بودند
اخراج شدند که هر کدام ۶۰۰۰۰
سال کار کرده بودند، او حتی در
روزهای ماه رمضان ساعات کار
ما را بجای اینکه کسر کند اضافه
کرده بود.

* آقای یزدانی (کارمند):
مسئول اموال، ۲۵ سال کار میکنم
پرونده ای من پراز مبارزه است -
آنچه در مورد کمیلیان میگویند
صحیح است او رابطه مستقیم با
دربار داشت در یکی از نامه های
به وزیر (فرح بخشان) نوشتم
حتی من را بجرم بی شرفی تعقیب
کنید زیرا به تمام جاها گزارش
کرده بودم. شکایات ما یکی د و
تانیست، باید دادگاه تشکیل
گردد و ما مدارکمان را در آنجا
ارائه خواهیم داد. با تمام
دزدیهای این شخص آشنایی دارم.
شاهد تمام فحاشی او بودم. او
افراد صدیق و درستکار را بعنوان
کارمندان اعدا زاده اخراج میکرد،
آنها را تحت فشار میگذاشت تا از
اداره بیرون روند. عکسها تیکه
با ساواکها گرفته بود برای
قدرت نمائی به کارمندان نشان
میداد و این عکسها هنوز هم هست
باید وضع خانه های ساخته شده و
زمینهای تقسیم شده از نظر هزینه
روشن گردد. من که ۲۰ سال سابقه
دارم چرانتوانم از خانه های

این شخص مورد نفرت همه ماها
است ما هرچی در مورد او بگوئیم
کم گفته ایم. در مورد فحاشی،
در مورد اخاذی از روی زمینهای
واگذار شده، فرستادن هدایا
برای "دببا" جهت رشوه عمداً
عرصه زندگی را بر ما تنگ کرده
بود. جلوی افراد سنگ میگذاشت
که انتقالی بگیرند و با بروند
بیرون، من را به شهبور فرستاد
بدون حقوق و مزایا. چطور چنین
چیزی میشود؟
* نقی عرب (راننده): "کمیلیان"
در روزهای تعطیل بخاطر اینکه
از ما برای کارهای شخصی اش
استفاده کند، بزور میگفت که باید
کارکتیم و بنام کشیک در روزهای
تعطیل ما را بکار و امیاداشت

۱- تا ۲ بار بخاطر کار رنگ کردن در
روزهای تعطیل توبیخ دارم کارگری
بخاطر اینکه روز جمعه در خانه اش
نبود توبیخ شده است. دادگاهی
و با زوجی کردن در اداره یک چیز
عادی بود. اینها گوشه های از
خیانتهای ساواک و عا ملش بود.
کارگران و کارمندان بخاطر
رسیدن بحق شان خواستهای خود
را اینطور خلاصه کردند:
۱- تشکیل حضوری دادگاه انقلاب
جهت "کمیلیان".
۲- رسیدگی به پیوندهای کارگران
و "کمیلیان" از طرف نخست وزیری.
۳- رسیدگی به تشکیلاتی که در اداره
درست کرده بود.
۴- رسیدگی به اخاذی ها و رشوه های
مختلف و خانه های سازمانی.
این تنها گوشه کوچکی از
ستمی بود که رژیم منفور پهلوی
و عمال کثیفش میکشم و مطمئنیم
و عمال کثیفش به توده های خلق
روا میداشتند. ما از خواستهای
بحق کارگران و کارکنان راه و ترا بری
گرگان پشتیبانی میکنیم و مطمئنیم
آنان با وحدت فشرده میان خود،
یا فشار برای حقوق خویش و
تکیه بر امر بحق پاکسازی دولت
از عناصر رژیم سابق به پیروزی
درست خواهند یافت. امری
عادلانه همیشه از پشتیبانی مردم
برخوردار است و آنها در این
مبارزه عادلانه ی خویش تنها
نیستند.

طرح قانون اساسی

پیشنهادی از طرف سازمان انقلابی

بدینال انتشار طرح قانون اساسی از طرف دولت موقت، احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای مختلف در ترسیم و تکمیل ویا تعویض آن پیشنهادات مختلفی را ارائه داده اند.

سازمان انقلابی نیز با هدف خدمت به خلق و خدمت به پیشبرد و ادامه ی انقلاب و با توجه به اینکه قانون اساسی مجموعه ی واحدی است که از نظر گاههای مختلف تدوین میشود و اصلاح این یا آن ماده نمیتواند تأثیری در کل آن داشته باشد، لذا طرح پیشنهادی خود را در زیر به معرض افکار عمومی قرار میدهد.

ما معتقدیم از این طریق بحث در مورد قانون اساسی از حالت بحث در مورد مواد جداگانه ویا مسئله جزئی وخرده گیری درآمده و طبقات واقشار مختلف خلقی خواهندتوانست برخوردهای متفاوت وکلی را مورد ارزیابی و قضاوت خود قرار دهند تا با مشارکت همگی وظیفه ی ملی تدوین قانون اساسی جدید بهتر به پیش برده شود.

در تهیه این طرح قانون اساسی هدف اصلی ما مطرح نمودن مسایل سیاسی جامعه و انقلاب در کشورمان بوده است و از نظر انشاء و تکنیک حقوقی و قانون نویسی بمعنای اخص و تخصصی مسئله، قطعا این طرح دارای اشکالات زیادی است.

در طرح مسائل سیاسی معیار اساسی ما سه اصل خلق یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بوده است.

متاسفانه طرح پیشنهادی دولت درباره قانون اساسی این سه اصل را آنطور که باید در نظر گرفته و در بسیاری موارد اصلا بدان توجهی نکرده است.

در این طرح ما از لزوم اتحاد بزرگ طبقات واقشار خلقی واتحاد کلیه ملیتهای کشورمان حرکت کرده ایم و در عین قرارداداشتن در موضع طبقه کارگر و ایستادگی در دفاع از منافع زحمتکشان، به منافع همه طبقات واقشار خلقی توجه داشته ایم. در مقابله با طرح پیشنهادی دولت به مسئله اتحاد بزرگ توجه نداشتیم، منافع و حقوق زحمتکشان را بطور جدی در نظر نگرفتیم و در آن گرایشهای انحصار طلبانه بچشم میخورد. این گرایشها هم در زمینه مسلکی و عقیدتی، هم در زمینه طبقاتی و هم در زمینه مسئله ملی و مناسبات میان ملیتهای مختلف کشورمان دیده میشود.

قانون همانند هر پدیده اجتماعی دیگر رشدیابنده و متحول است. قانون اساسی کنونی هم با تکامل اوضاع کشور با یدرشدیابندودر آینده تغییرات متناسب با اوضاع را پذیرا شود. آئینده کشور ما بدون شک جامعه ای خواهد بود که زحمتکشان در آن نقش مهمی بعهده داشته و کارگران در رهبری ادامه انقلاب قرار خواهند گرفت. سمت حرکت کلیه جوامع و جوامع مان نیز، بسوی محواسثما را انسان از انسان بسوی یک جامعه بدون طبقه است و در حرکت بسوی چنین جامعه ای تحولات بزرگ دیگری حتما صورت خواهد گرفت و متناسب با این تغییرات بزرگ قوانین اساسی جدیدی باید تدوین گردد.

دیباچه

مردم ستمدیده ایران بیش از ۱۵۰ سال است که قهرمانان علییه بدست نیامده است. قانون خلق بویژه کارگران و دهقانان

۴- ایران، کشور واحد و یکپارچه و کثیرالمله است که در آن کلیه ی ملیتهای آن با هم برابرند. باید ستمدیدگی ملی زدوده شود. باید ملیتهای مختلف به یکدیگر احترام بگذارند از نکات مثبت هم بیاموزند و مناسبات برادری میان خود برقرار نمایند. تبعیض در هر شکل ممنوع است و هر حرف و عملی که به وحدت بزرگ ملیتهای ایران کوچکترین لطمه ای وارد سازد قدغن میباشد. کلیه ی ملیتها آزادند تا زبانی را که با آن سخن میگویند و مینویسند بکار ببرند و تکامل بخشند و از آداب و رسوم خود پیروی نمایند حق خود مختاری در مناطق اقلیتهای ملی برسمیت شناخته میشود و کلیه ی خود مختاریهای ملی منطقه ای جزء لاینفک کشور ایران هستند.

۵- در جمهوری اسلامی ایران میان دو نوع تضاد کلاما متفاوت، تضاد خلق بادشمن و تضاد درون خلق، باید دقیقا تمایز گذارده شود و در رابطه با تضادهای خلق، برای حل آنها، باید با حرکت از هدف وحدت، با صبر و حوصله، از شیوه ی مردمی اقناع، توضیح، نوسازی و تجدید تربیت استفاده نمود.

۶- در جمهوری اسلامی ایران مالکیت محدود و مقید است. محدودیت مالکیت درست بخاطر اینست که از حاکمیت قانون بی بند و بار سرمایه بر جامعه جلوگیری شود، چه اینکه اقتصاد کشور ما را به امپریالیسم همچنان وابسته نگه میدارد و نهایتا انقلاب ضد امپریالیستی مردم ما را به شکست میکشاند. مقید بودن مالکیت درست بخاطر اینست که باید به هدف ادامه ی انقلاب ضد امپریالیستی ما خدمت نماید و اقتصاد کشور ما را بسوی اقتصاد مستقل و متکی بخود، اقتصادی در خدمت بهبود زندگی مردم بویژه

۸- دولت باید از اصل اتکاء به نیروی مردم پیروی کند و در رشد و تکامل اقتصاد ایران تکیه ی عمده را به مردم و منابع طبیعی ایران داشته باشد. کشاورزی باید اساس اقتصاد کشور ما را تشکیل دهد. صنعتی شدن سریع و ملی سنجیده، هدف رشد اقتصاد ملی است. صنایع باید ضمن هدایت کل اقتصاد، به رشد کشاورزی خدمت نماید. ایران بدون کشاورزی رشد یافته و خود کفا نمیتواند صنایع مستقل و کارائی داشته باشد. درست بخاطر رسیدن به هدف عالی صنعتی شدن باید کشاورزی ایران را از وضع نا هنجار کنونی نجات داد، آنرا با تکیه به دهقانان با زسازی نمود، تقویت بخشیده، کفاساخت.

۹- دولت موظف است که در رشد و گسترش اقتصاد ملی دارای هدف بلند و عالی باشد. تمام امکانات و توانائیها را به بهترین وجهی طبق نقشه بسیج نموده با یکبار برد علوم و فنون ورشد و تکامل دائمی آنها جامعه ی عقب سب نگه داشته شده ی ما را با سرعت بجلو هدایت نماید تا استقلال و امنیت ایران را تضمین نموده و وضع مردم زحمتکش و مستضعف را بطور همه جانبه ای بهبود بخشد.

۱۰- اتباع کشورهای دیگر ویا شرکتهای خارجی حق مالکیت بر منابع ملی و عمومی را نداشته و شرکت آنها در امور اقتصادی ایران به همکاریهای فنی، تجاری و پروژه های آبادانی بر طبق قراردادهای عادلانه محدود میگردد.

۱۱- دولت موظف است اسلام مبارز را بخاطر اتحاد بزرگ خلق، با سیونالیسم مترقی و سوسیالیسم انقلابی متحد نماید، تادرمحیطی آزاد و برابر، مکتب با هم به رقابت بگذارد.

۱۶- دولت موظف است که رقابت امپریالیستهارا در حفظ و توسعه نفوذشان در منطقه وسیع جهانی در نظر گرفته و با توجه به این واقعیت که آتش رقابت ابرقدرتها که تسادندان مسلح شده اند دیر یا زود کشور ما را نیز دربر خواهد گرفت، قدرت نظامی کشور را در سطحی متناسب با اوضاع جهانی و منطقه نگاه داشته و با نوسازی ارتش، افسران و سربازانی ضد امپریالیست و مومن به استقلال کشور تربیت نماید.

دولت موظف است بین مردم و ارتش ملی روحیه دوستی و برادری ایجاد کرده و با گسترش دموکراسی در ارتش، نظم، نوبین و انضباطی آگاهانه و انقلابی بوجود آورد.

دولت موظف است علاوه بر نیروهای مسلح عادی کشور، نیروهای مسلح منطقه ای و پاسداران محلی بمشابه نیروی شبه نظامی بوجود آورد.

نیروهای مسلح وظیفه دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران را بعهده داشته و باید در برابر خرابکاریها و مداخلات بیگانگان بویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی هوشیار باشند.

فصل دوم

حقوق اساسی مردم

۱۷- همه ی افراد اعم از زن و مرد در برابر قانون مساوی اند. کلیه ی افراد اعم از مرد و زن که به سن قانونی رسیده اند از حق رای برخوردارند.

۱۸- تمام اتباع کشور از حق آزادی، اجتماع، تشکیل احزاب، انجمن و سندیکاها، تظاهرات و اعتصاب برخوردارند.

مردم ستمدیده ایران بیش از ۱۵۰ سال است که قهرمانان علیه استعمارگران و امپریالیستهای گوناگون، علیه فئودالیسم و سرمایه داری وابسته (دولتی و خصوصی) که رژیم شاهنشاهی پهلوی در نیم قرن اخیر مظالم دشمنان خلق بود، مبارزه میکند.

در ادامه این راه پیمانی طولانی، سخت و پریپیچ و خشم، بخاطر کسب استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، انقلاب پیروز مندرضد استبدادی و ضد امپریالیستی، با سرنگون ساختن رژیم فاسد پهلوی و انقراض شاهنشاهی برگ نوینی در تاریخ کهنسال و درخشان کشورمان گشود.

این انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی، چهار دستاورد و ویژگی مهم و برجسته داشت که قانون اساسی کنونی باید از آن الهام گرفته، آنها را حفظ نموده و تکامل بخشد:

۱- توده های وسیع خلق، از کلیه ملیتهای ایران، بویژه جوانان و زنان را به مبارزه انقلابی گشاده و وحدت بزرگ طبقات و اقشار خلقی را در حرف و عمل تا میسر نمود.

۲- قاطعانه ضد امپریالیستی بوده و با تکیه به نیروی خلق بویژه زحمتکشان بطور مستقل به پیروزی رسید و تنها ابرقدرتهای سلطه جو و مداخله گر نتوانستند آنرا به خود متمایل یا وابسته سازند بلکه برعکس به امپریالیسم آمریکا ضربه سختی وارد آورد.

۳- قاطعانه ضد استبدادی بوده با حکومت مطلقه فردی مخالفت کرده و آنرا برانداخت.

۴- اسلام مبارز با طرد اسلام دنیاری در پیش صفوف خلق حرکت کرده و آنرا در جهت پیروزی رهبری نمود.

چنین اندچهار ویژگی و دستاورد انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ما، همچنان انقلاب باید ادامه یابد. هنوز نفوذ امپریالیسم بویژه آمریکا و شوروی که ملاحظه نشده است، هنوز سرمایه داری وابسته و بقایای فئودالیسم و نظام عشیرتسی موجودند، هنوز آزادی و عدالت اجتماعی برای توده های وسیع

خلق بویژه کارگران و دهقانان بدست نیامده است. قانون اساسی کنونی باید در خدمت ادامه انقلاب باشد و نقش مترقی و پیششار را در تحقق هدفهای دورتر انقلاب ایفا نماید.

قانون اساسی باید به سیر پویای انقلاب ضد امپریالیستی سمت دهد و در کلیه زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، استقلال ایران را تا مین نماید و سرمایه آزادیخواهان انقلاب را با تاکیدی روی مبارزه با هرگونه ستم فئودالی و عشیرتی و سرمایه داری وابسته (دولتی و خصوصی) و دفاع قاطع آزادی برای خلق بدون در نظر گرفتن طبقه، ملیت، مذهب، مسلک، حزب، جنس و نژاد حفظ نموده و تکامل بخشد.

قانون اساسی باید در دفاع از حقوق و در بهبود وضع زحمتکشان بویژه کارگران و دهقانان که هزاران هزار شهید در راه پیروزی انقلاب داده اند، تصریح و تسریع کرده و مضمون اساسی آن خدمت به زحمتکشان باشد.

فصل اول: اصول کلی

۱- رژیم ایران کنونی جمهوری اسلامی است که در آن تمام قدرت باید در دست ملیتهای مختلف باشد و مردم از طریق شوراها و سطوح مختلف قدرت خود را اعمال کنند.

۲- جمهوری اسلامی متکی است بر اتحاد بزرگ کلیه طبقات و اقشار خلقی ضد امپریالیستی و ضد استبدادی از ملیتهای مختلف ایران و مضمون این اتحاد را در مرحله کنونی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تشکیل میدهد.

۳- کلیه ارگانهای سیاسی باید از اصل مرکزیت مردمی پیروی نمایند. یعنی مرکزیت باید بر اساس خواستهای مردم باشد و مردم باید بنوبه خود از مرکزیت تبعیت نمایند. هم باید آزادی باشد هم انضباط آنها لازم و ملزوم یکدیگرند.

اقتصاد کشور را بسوی اقتصادی مستقل و متکی بخود، اقتصادی در خدمت بهبود زندگی مردم بویژه زحمتکشان هدایت کند. تمام املاک و دارایی خاندان پهلوی، تمام املاک و دارایی سرمایه داران بزرگ، فئودالها و بوروکراتهای بزرگ که به زور و به عنف از مردم و یا از اموال عمومی غصب کرده اند، باید بسود توده های خلق صادره شود. دولت موظف است این قبیل املاک و اموال را در اختیار ادارات و موسسات عمومی قرار دهد تا جهت تامین احتیاجات توده های زحمتکش بکار برده شوند.

۷- اقتصاد جامعه کنونی ایران از سه بخش: دولتی، خصوصی و تعاونی تشکیل شده است. بخش دولتی اقتصاد را در آموختن و هدایت نفت در سالهای اخیر و توسعه و گسترش داده است. دولت موظف است وابستگی این بخش را به اقتصاد کشورهای امپریالیستی تا قطع کامل نفوذ آنها قدم قدم کم کند. ماهیت این بخش اقتصاد همانند بخش خصوصی است. ثمنها رگانه بوده و چنانچه بی رویه و بدون تناسب معین با بخش خصوصی اقتصاد در رشد نموده و تحت سیاسی کلامی و مستقل هدایت نشود، یا لقیه میتواند پایه ای برای نفوذ امپریالیسم بویژه سوسیالیسم امپریالیسم شوروی در کشور ما بوجود آورد. در بخش خصوصی باید با سرمایه داری بزرگ وابسته مبارزه شود، سرمایه های کوچک و متوسط ترغیب و تشویق شوند، چنانچه سرمایه های بزرگ وابسته میدان داده شود، خطر ادامه وابستگی به امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا بقوت خود باقی میماند. ایجاب میکند تعاونی های تولید، توزیع و مصرفی از راههای صحیح تکامل رشد اقتصاد کنونی کشور است. باید این بخش از اقتصاد را با تکیه به مردم و در رابطه با روستا، تکیه به دهقانان و شرکت داری و طلبان و فعال آنها بطور همه جانبه بسط و توسعه داد. دولت موظف است نه تنها اقدامی علیه جنبش تعاونی نکند بلکه باید به پشتیبانی و توسعه ای تعاونیها کمک نماید.

انقلابی متحد نماید، تادرمحیطی آزاد و برابر، مکتب با هم به رقابت پرداخته و مردم بتوانند آزادانه بحوانب مختلف مسائل و مشکلات آگاهی یافته و خود را سادرسر را از نادرست تشخیص داده و انتخاب نمایند، انحصارگری یک طبقه، یک حزب، یک ایدئولوژی، یک سیاست و یک فرد یا دستاورد های انقلاب کنونی، انطباق نداشته و به رشد و تکامل کمک نمیکند.

۱۲- دولت موظف است هشیارانه علیه هرگونه اعمال خرابکارانه بیگانگان بویژه ابرقدرتهای استیلاطلب و تحاوزگر به رشکسل مبارزه نماید و عمال و جاسوسان آنها را سرکوب کند.

۱۳- ایران جزو کشورهای غیر متعهد است بنا بر این دولت موظف است با کشورهای جهان سوم متحد شده و برای حفظ و تکامل جنبش کشورهای غیر متعهد کوشش نماید. دولت باید روابط خود را با سایر کشورها بر اساس اصول زیر تنظیم کند:

- احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی،
- دوری جستن از هرگونه تجاوز نظامی، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر،
- تساوی حقوق و سود متقابل،
- همزیستی مسالمت آمیز.

ایران قاطعانه علیه هرگونه سرکرده گرائی توسط ابرقدرتها، یا قدرتهای منطقه ای مبارزه میکند و خود هیچگاه نباید در پیسی سرکرده گرائی منطقه ای باشد.

۱۴- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی است بر مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم و وحدت با خلقهای انقلابی ملل ستمدیده که در پی رهایی خویشند و کشورهای که برای حفظ و تحکیم استقلال خود میکوشند.

۱۵- کلیه قراردادهای یکجانبه و غیر عادلانه با موسسات، شرکتها و کشورهای خارجی که به استقلال و تمامیت ارضی ایران تجاوز دارد میکند ما میباشند و عهد شکنی قراردادهای عرفی و نویسی است.

و سندیگها، نظاهرات و اعتصاب برخوردارند.

۱۹- هر فرد از آزادی انتخاب دین و مذهب برخوردار است.

۲۰- هرگونه بازداشت، تفتیش منزل و محل کار، بازرسی بدنی و هر عمل دیگری که آزادی فردی را محدود میسازد ممنوع است مگر با مجوز مدلل مقامات قضائی و تنها در مواردی که در قانون پیش بینی شده است. در صورت بازداشت باید موضوع اتهام با ذکر دلائل حداکثر در مدت ۲۴ ساعت به شخص بازداشت شده ابلاغ شود، در غیر این صورت ادامه ی بازداشت غیر قانونی است.

۲۱- مسکن اشخاص، مراسلات پستی و مکاتبات تلفنی و مخابسات تلگرافی و تلکس محترم بوده و از تعرض مصون اند.

۲۲- هرگونه شکنجه ی بدنی یا روانی ممنوع است. اجبار اشخاص به شهادت مجاز نیست و چنین اقرار و یا شهادتی فاقد ارزش و اعتبار است.

۲۳- جمهوری اسلامی حق کار برای همه را برسمیت میشناهد و موظف است با تمام قدرت شرایط را برای تحقق واقعی این حق فراهم سازد.

۲۴- هر فرد حق انتخاب شغل و محل زندگی، حق استراحت، بهداشت را یگان، تحصیل را یگان و بیمه ی بازنشستگی را دارد. دولت مکلف است که امکانات لازم را برای تحقق این حقوق بویژه برای توده های وسیع زحمتکشان کشور که هم اکنون در شرایط بسیار سخت بسر برده و محروم از هرگونه رفاه اجتماعی میباشند، فراهم آورد.

۲۵- در جمهوری اسلامی ایران، زنان در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زندگی خانوادگی از حقوق مساوی با مردان برخوردارند. آنها برای کار مساوی باید حقوق مساوی دریافت کنند. ازدواج و طلاق باید با میل طرفین و بطور آزادانه باشد.

فصل سوم قوهی مقننه

الف - مجلس شورای ملی

۲۶- مجلس شورای ملی عالیترین ارگان جمهوری اسلامی ایران است. وبالاترین ارگنان قانونگذاری کشور است.

۲۷- نمایندگان مجلس شورای ملی بطور مستقیم و با رای مخفی انتخاب میشوند. انتخابات مجلس شورای ملی هر ۴ سال یکبار تجدید میشود و انتخابات هر دوره باید پیش از انقضای دوره قبل انجام پذیرد. بطوریکه هیچگاه جمهوری اسلامی ایران بدون مجلس شورای ملی نباشد.

۲۸- تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی به تعداد هر صد هزار نفر یک نماینده خواهد بود.

کرسی های نمایندگان مجلس شورای ملی به تناسب تعداد آرای سراسر کشور بین کاندیداهای حزبی یا ائتلافی تقسیم میشود.

۲۹- اقلیتهای ملی و مذهبی رسمی که تعدادشان کمتر از صد هزار نفر است حق انتخاب یک نماینده را دارند.

۳۰- مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد.

۳۱- وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات مجلس را دارند و در صورتیکه مجلس لازم بدانند مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع میشود.

ب- اختیارات و صلاحیت

مجلس شورای ملی:

۳۲- وضع قوانین جدید بنا بر احتیاجات کشور در چارچوب قانون اساسی با مجلس شورای ملی است. وظایف مجلس شورای ملی عبارتند از:

۳۳- تفسیر قوانین عادی بجز تفسیر در آیین دادرسی، در

۴۴- برقراری حکومت نظامی ممنوع است، مگر در هنگام جنگ و بحکم قانون.

۴۵- هر نماینده ی مجلس حق دارد از وزیر مسئول درباره ی هر موضوعی که به وظائف او مربوط شود سوال نماید. وزیر مسئول موظف به جواب است و جواب نباید بیش از ده روز به تاخیر بیفتد مگر با عذر موجه.

۴۶- نمایندگان نمیتوانند بطور فردی دولت را استیضاح کنند. پاسخ به استیضاح باید ظرف ده روز از تاریخ تقدیم آن، از طرف دولت یا وزیر مسئول داده شود. مجلس پس از استماع پاسخ دولت به دولت رای اعتماد یا عدم اعتماد میدهد. در صورت اخیر دولت معزول است و نخست وزیر یا وزیر مورد استیضاح نمیتواند در هیئت دولت بعدی شرکت کند.

۴۷- نمایندگان مجلس نمیتوان به مناسبت عقایدی که در مجلس اظهار کرده و یا آرائی که در رابطه با ایفای وظائف نمایندگی خود داده اند تعقیب و یا توقیف کرد ولی اگر نماینده ای مرتکب جنحه یا جنایاتی شود، بشرط سلب مصونیت با رای اکثریت مجلس تحت تعقیب قرار میگیرد.

۴۸- هیئت وزیران پس از تشکیل و معرفی و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رای اعتماد بگیرند. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف دولت میتواند از مجلس تقاضای رای اعتماد کند.

۴۹- هر کس شکایتی از چگونگی اداره ی کشور یا شیوه ی قانونگذاری یا سیاست قضائی داشته باشد میتواند به مجلس شورای ملی شکایت کند.

ب- شوراها ی ده، شهر، استان

و مناطق خود مختار اقلیتهای ملی

۵۰- جهت شرکت مردم در سر نوشت خود، از سطح ده، شهر، استان و مناطق خود مختار اقلیتهای ملی، مجالس شورای محلی جهت وضع قوانین و مقررات در زمینه های اقتصادی و اداری و فرهنگی برپا میشوند.

کشور شروع خواهد شد. مجازات جرائم مرتکبه، تابع قوانین عمومی است.

۷۵- رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیران در مورد جرائم عمومی پس از تصویب مجلس شورای ملی، در دادگاههای عمومی دادگستری انجام میشود.

امور مالی

۷۶- دیوان محاسبات کشور که سازمان و اداره ی امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تشکیل خواهد شد، کلیه ی حسابهای وزارتخانه ها و موسسات و شرکت های دولتی و سایر دستگاه های را که بنحوی از انحاء از بودجه ی کل کشور استفاده میکنند به ترتیبی که قانون مقرر میدارد رسیدگی و حسابرسی مینماید و مراقب است خواهد کرد که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکند و هروجهی در محل خود بمصرف رسیده باشد. حسابها و اسناد و مدارک مربوط را بر ابرقانون جمع آوری و به مجلس شورای ملی تسلیم مینماید.

۷۷- مجلس شورای ملی عده ی کافی بعنوان مستشار دیوان محاسبات به تربیتی که قانون معین میکند انتخاب خواهد کرد.

ارتش

۷۸- ارتش جمهوری اسلامی ایران، ارتش ملی و مردمی است که وظیفه پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور را به عهده دارد.

۷۹- افراد ارتش از حقوق مساوی با سایر افراد ملت برخوردارند و انضباط و مقررات ارتش که برای نظامیان لازم الاجرا هستند نباید موجب محرومیت نظامیان از حقوق و آزادیهای مصرحه در این قانون شوند.

۸۰- هیچ افسر و سرباز خارجی به خدمت نظام ایران قبول نمیشود. عبور یا اقامت موقت نیروی نظامی

مصرح در قانون اساسی، نمیتواند اجرای قوانین را پس از انقضای مهلت توشیح متوقف سازد، یا به تاخیر اندازد. مهلت توشیح قانون ده روز از تاریخ ابلاغ آن است.

۶۳- رئیس جمهور حق دارد در مهلت توشیح، مصوبات مجلس شورای ملی را که در تضاد با قانون اساسی تشخیص دهد با ذکر دلائل خود برای اصلاح و بررسی مجدد به مجلس بازگرداند. چنانچه مجلس مجدداً آنرا تصویب نمود، قانون است.

۶۴- نخست وزیر بوسیله ی رئیس جمهوری، برای گرفتن رای اعتماد، به مجلس شورای ملی معرفی میشود.

۶۵- اعلام عفو عمومی پس از تصویب مجلس شورای ملی با رئیس جمهور است، همچنین رئیس جمهور حق دارد در حدود قوانین، مجازات فردی محکومان را تخفیف دهد.

۶۶- فرماندهی کل نیروهای نظامی با رئیس جمهور است. رئیس کل ستاد ارتش جمهوری اسلامی به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب مجلس شورای ملی تعیین میشود.

۶۷- اعلان جنگ و متارکب آن و پیمان صلح پس از تصویب مجلس شورای ملی با رئیس جمهور است.

۶۸- در مورد غیبت و یا بیماری رئیس جمهور، شورا ی بنام شورای موقت ریاست جمهوری مرکب از: نخست وزیر، رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوان عالی کشور، وظایف او را انجام میدهد، مشروط بر اینکه عذر رئیس جمهور برای مدتی بیش از دو ماه نباشد.

۶۹- در صورت فوت و یا کناره گیری رئیس جمهور یا بیماری طولانی یا سایر موجباتی که مانع اجرای وظائف و اختیارات رئیس جمهور میشود، وظایف او به شورای موقت ریاست جمهوری محول میگردد و این شورا حداقل یکماه و حداکثر ۵۰ روز پس از تشکیل، نسبت به انتخاب رئیس جمهور جدید اقدام میکند. در چنین صورتی مهلت توشیح مصوباتی که مجلس در این فاصله تصویب میکند تا ۳۰ روز پس از ادای سوگند رئیس جمهور جدید خواهد بود.

۷۰- هرگاه رئیس جمهور به خیانت و توطئه علیه امنیت کشور متهم شود، مجلس شورای ملی

قضات و وکلای شاغل یا بازنشسته دادگستری بوسیله ی رئیس جمهوری به مجلس شورای ملی معرفی و در صورت تصویب به عضویت دیوان عالی کشور به مدت ۵ سال تعیین میگردند. ریاست دیوان عالی کشور توسط اعضای دیوان عالی کشور و از میان اعضای دیوان عالی کشور انتخاب میشوند.

۸۷- دیوان عالی کشور باید بنحوی که خود مقتضی بدان اقدام به تشکیل شورای عالی قضائی که وظیفه ی حل و فصل مسائل داری قوه ی قضائیه را بعهده دارد، بنماید.

۸۸- ریاست شورای عالی قضائی با وزیر دادگستری است. وزیر دادگستری وظیفه ی ایجاد هماهنگی مالی و اداری بین قوه ی قضائیه و قوه ی مجریه را بعهده خواهد داشت و رابط قوه قضائیه و قوه مقننه در امور مربوط به وضع قوانین مدنی و جزائی خواهد بود.

۸۹- دادستان کل کشور بوسیله ی مجلس شورای ملی و از میان ده نفر که رئیس جمهوری از میان قضات و وکلای شاغل یا بازنشسته ی دادگستری به مجلس معرفی مینماید برای مدت ۴ سال انتخاب میگردد. تجدید انتخاب یک فرد برای دادستانی کل کشور بلامانع است. ۹۰- قضات دادگاه ها را نمیتوان از مقامی که شاغل اند، بطور موقت یا دائم و بدون محاکمه و ثبوت جرم منصرف کرد یا محل خدمت یا سمت آنها را بدون رضای آنان تغییر داد. تغییر محل و سمت بازرسان یا تصویب شورای عالی قضائی ممکن است.

۹۱- رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاههای دادگستری، با حضور هیئت منصفه و بصورت علنی صورت میگیرد.

۹۲- برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل میشود. به جرائم عمومی نظامیان و به کلیه ی جرائم افسران و درجه داران و افسران و کارمندان شهربانی و ژاندارمری در دادگاههای عمومی رسیدگی میشود.

۹۳- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به

۳۴- تفسیر قوانین عادی بجز تفسیر دادرسان در مقام تمیز حق، در صلاحیت مجلس شورای ملی است.

۳۵- انتخاب یا رد نخست وزیر پیشنها شده از جانب رئیس جمهوری و انتخاب یا رد هیئت وزیران پیشنها شده از جانب نخست وزیر در صلاحیت مجلس شورای ملی است.

۳۶- تصویب یا رد اصلاح برنامه ی اقتصادی، بودجه دولتی و نظارت بر اجرای آنها در صلاحیت مجلس شورای ملی است.

۳۷- تغییر در خطوط مرزی کشور در صورتی ممکن است که به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی برسد.

۳۸- دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات عمومی و اعطای امتیاز انحصار در امور تجاری و صنعتی و کسب و کاری و معادن از طرف دولت بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است.

۳۹- عهدنامه ها و مواهله نامه های بین المللی و قراردادهای دیگر از این قبیل با پیشنها دولت و تصویب مجلس شورای ملی قابل اعتبارند.

۴۰- استخدام کارشناسان و مستشاران خارجی از طرف دولت در حد احتیاج و ضرورت باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

۴۱- گرفتن و دادن وام و کمکهای بلاعوض از طرف دولت به کشورهای خارجی باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد.

۴۲- لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس شورای تقدیم میشود. طرحهای قانونی بجهت پیشنها یکی از نمایندگان نیز در مجلس شورای ملی قابل طرح است.

۴۳- مجلس شورای ملی حق تحقیق و تفحص در هر یک از امور کشور را دارد.

مجلس بر مبنای این قوانین در زمینه های اقتصادی و اداری و فرهنگی برپا میشوند.

۵۱- تصمیمات این مجالس نمیتواند از چارچوب قانون اساسی خارج شوند.

۵۲- در مواردی که مسائل محلی بر امور کل کشور تاثیر منفی میگذارد، نظر مجلس شورای ملی ارجحیت دارد.

۵۳- شوراها و دهات از طریق رای مستقیم و مخفی مردم انتخاب میگردند.

۵۴- شوراها و شهرها از طریق رای مستقیم و مخفی مردم انتخاب میشوند.

۵۵- شوراها و استانها بر مبنای ضوابطی که مجلس شورای ملی تعیین میکند از میان نمایندگان شهرها و روستاها انتخاب میگردند.

۵۶- نمایندگان مجلس شورای مناطق خود مختار اقلیتهای ملی باید با رای مخفی و بطور مستقیم انتخاب گردند.

فصل چهارم: قوه مجریه ریاست جمهوری

۵۷- رئیس جمهور بالاترین مقام رسمی کشور است، ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد و سبب وحدت بزرگ خلق است.

۵۸- رئیس جمهور باید تبعه ایران باشد.

۵۹- رئیس جمهور برای مدت ۴ سال بوسیله ی آرای مجلس شورای ملی انتخاب میشود و انتخاب متوالی او تنها برای یک دوره ی دیگر امکان دارد.

۶۰- رئیس جمهور جدید باید حداکثر یک ماه پیش از پایان دوره ی ریاست جمهور انتخاب شود.

۶۱- رئیس جمهور در مجلس شورای ملی در جلسهای که با حضور رئیس و اعضای دیوان عالی کشور تشکیل میشود، سوگند یاد میکند که مدافع قانون اساسی، استقلال و تمامیت ارضی ایران، آزادی و عدالت اجتماعی باشد.

۶۲- توشیح قوانین با رئیس جمهور است ولی خودداری او از توشیح قانون در مهلت مقرر جز در موارد

۷۰- هرگاه رئیس جمهور بجهت خیانت و توطئه علیه امنیت کشور متهم شود، مجلس شورای ملی باید به اتهام او رسیدگی کند و اگر چاره ای نماند همه ی نمایندگان مجلس رای به تعقیب او دادند دیوان عالی کشور به اتهام رسیدگی و بر طبق قوانین عمومی مجازات او را معین میکند. پس از رای مجلس بجهت تعقیب، تا صدور رای نهائی دیوان عالی کشور، رئیس جمهور از مقام خود معذور است و وظائف او را شورای موقت ریاست جمهور انجام میدهد.

هیئت وزیران

۷۱- وزیران به پیشنهاد نخست وزیر و موافقت رئیس جمهور برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی میشوند. اداره ی امور کشور بر عهده هیئت وزیران و مسئولیت اجرایی کلیه ی سازمانهای کشوری و لشکری با این هیئت است. تعداد وزیران و حدود صلاحیت هر یک از آنان را قانون معین میکند.

۷۲- ریاست هیئت وزیران با نخست وزیر است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیمهای دولت میپردازد. هیئت وزیران در برابر مجلس شورای ملی مسئولیت فردی و جمعی دارند.

۷۳- نخست وزیر میتواند وزیرانی را عزل کند و دیگری را به جای او برگزیند و به مجلس شورای ملی معرفی نماید. ولی هرگاه پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضای هیئت وزیران تغییر کنند، دولت مجدداً باید تقاضای رای اعتماد کند.

۷۴- نخست وزیر و وزیران در صورتی که متهم به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور گردند، اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و چنانچه اکثریت مجلس رای داد، تعقیب متهم در هیئت عمومی دیوان عالی

۸۰- هیچ افسر و سربا خارجی به خدمت نظام ایران قبول نمیشود. عبور یا اقامت موقت نیروی نظامی خارجی از کشور تنها در صورت ایجاب مصالح عالییه ی کشور، آنهم با تشخیص و تصویب کل نمایندگان مجلس شورای ملی ممکن است.

۸۱- استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی، هر چند به عنوان استفاده های صلح آمیز در ایران ممنوع است.

فصل پنجم: قوه قضائیه

۸۲- دادگستری مرجع رسمی تظلمات و ادعاهای عمومی است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت دادگاهها منوط به حکم قانون است.

۸۳- قوه ی قضائیه مستقل و مجلس شورای ملی و رئیس جمهوری ضامن استقلال آن هستند. دیوان عالی کشور در حدود اصل ۴ این قانون، لوازم و شرایط این استقلال را فراهم میکند.

۸۴- تشکیل دادگاههای اختصاصی جز در موارد مصرح در این قانون ممنوع است. ولی ممکن است برخی از شعب دادگاههای عمومی بنوع خاصی از دعاوی رسیدگی کنند.

۸۵- دیوان عالی کشور بمنظور نظارت بر اجرای درست قوانین اعم از اساسی یا عادی، ایجاد وحدت رویه قضائی و حراست از استقلال قوه ی قضائیه در برابر قوای مجریه و مقننه تشکیل میشود و عالیترین مرجع قضائی کشور است. دیوان عالی کشور حق نقض حکم صادره از طرف هر یک از دادگاههای دادگستری و واگذاری قضیه ی مورد دعوی به دادگاه دیگر را دارد. دیوان عالی کشور به تمام موارد مربوطه تطابق لوایح قوانین و دیگر مصوبات قوای مقننه و مجریه با قانون اساسی رسیدگی میکند.

۸۶- تعداد اعضای دیوان عالی کشور ۱۱ نفر هستند که از میان

میشود.

۹۳- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت بجهت ما مورین یا واحدها یا آئین نامه ها دولتی و احقاق حقوق آنها از وظایف و اختیارات قوه ی قضائیه است. رسیدگی به این مسائل را دیوان عالی کشور به عهده یک یا چند دادگاه از دادگاههای دادگستری خواهد گذاشت و یا اگر مقتضی دید میتواند دادگاه یا شورای ویژه ای برای این کار تاسیس کند.

فصل ششم:

تغییر قانون اساسی،

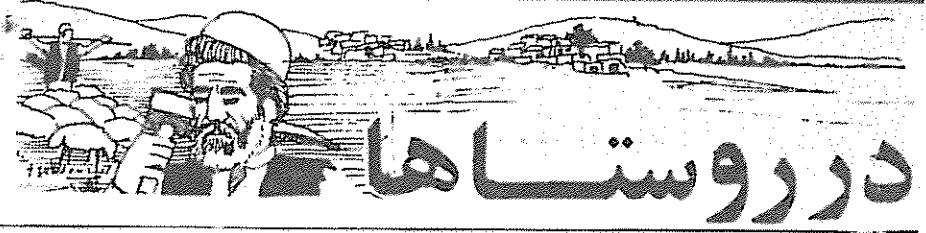
زبان، مرکز کشور پناهندگی

۹۴- هرگاه اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی یا رئیس جمهور به پیشنهاد هیئت وزیران، لزوم تجدید نظر در یک یا چند اصل از قانون اساسی را عنوان کنند، طرح یا لایحه ی تجدید نظر از طرف مجلس یا هیئت وزیران تهیه و مورد بررسی مجلس شورای ملی واقع میشود. این متن پس از تصویب نمایندگان مجلس باید توسط فرماندوم مورد تأیید ملت قرار گیرد.

۹۵- زبان و خط مشترک مردم ایران فارسی است و متون و مکاتبات رسمی باید با این زبان و خط باشد ولی در خود مختاریهای ملی و منطقه ای استفاده از زبان ملی آن خود مختاری در مصادرس، مطبوعات محلی و مکاتبات و متون اداری داخل خود مختاری آزاد و زبان ملی در کنار زبان فارسی، زبان رسمی خود مختاری ملی منطقه ای محسوب میشود. مکاتبات در تماسهای رسمی و اداری بین خود مختاری های ملی و منطقه ای با سایر نقاط و دولت مرکزی باید به زبان فارسی باشد.

۹۶- تهران مرکز کشور است.

۹۷- به اتباع خارجی که بجهت دلیل مبارزه علیه امپریالیسم و یا حقوق دمکراتیک، تحت تعقیب مقامات کشور خود هستند، حق پناهندگی سیاسی، اقامت و کار تاقموقع رفع موانع موجود در کشور مربوطه داده میشود.



در روستاها

روستاها و جهاد سازندگی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شور و شوق فراوانی در مردم برای بازسازی اقتصاد ورشکسته کشور، بویژه در روستاها دیده میشود. در هفتاد و خیر ما شاهد حرکت داوطلبانه مردم به روستاها جهت کمک به روستائیان در کشاورزی و برداشت محصول بودیم. بویژه فرمان امام خمینی جهت جهاد سازندگی، این راه پیمائی بزرگ مردمی را که خواهان ایرانی مستقل، آباد و شکوفان هستند، نیرو و سازمان میدهد.

ما بنوبه خود با تاخیر اما این امر که شرکت در مبارزه تولیدی زحمتکشان بخشی از مبارزه جهت استقلال میهن است، هم میهنان را به شرکت در این امر فرا میخوانیم تا بدینوسیله علاوه بر شرکت در بهبود کار برداشت محصول و آبادانی روستاها، با شرکت در زندگی، تولید و مبارزه روستائیان، خود را تجدید تربیت نموده و از زحمتکشان آموزش بگیریم.

ما معتقدیم امر خدمت به روستائیان در کمک به رشد تولیدات کشاورزی خلاصه نمیشود. کمک واقعی به دهقانان حمایت از مبارزه آنها با مالکین غاصب اراضی و فئودالهای ستمگر و استثمارگر است.

در اینجا دبر روشنی مسئله سمت کمک کردن یعنی کمک به کی مطرح است، کمک به مالکان ارضی روستائی یا به دهقانان ستمدیده؟

روستا از نظر طبقاتی صاف و یکدست نیست. در آنجا طبقات ستمگرو ستمگرو طبقات ستمدیده و استثمار شده وجود دارند. از اینرو در روستا نیز یک جنگ و مبارزه طبقاتی موجود است و کسیکه برای کمک به رشد کشاورزی به روستا میرود، چه بخواد و چه نخواهد وارد محله این کارزار شده و ببنفج یکطرف و بر علیه طرف دیگر قرار میگیرد. ما معتقدیم که کمک به

قطعه نامه دهقانان «قراتوره» (کردستان)

بسم الله الرحمن الرحيم
قطعه نامه

خوش نشینان و نمايندگان خوش شوراهاي دهقانی روستاهاي: در بند، دالان، باغچه، غيات آباد تازه آباد وزير، وبيش از ۳۰ روستای منطقه "قراتوره" در روز سه شنبه ۵۸/۲/۲۹ در مسجد روستای در بند.

ما دهقانان این بخش در منطقه کردستان (قراتوره) با توجه به پیروزی مردم زحمتکش ایران بر رژیم نمایندگانی مالکان غارتگر و سرمایه داران خونخوار بر سرکردگی شاه جلاد حق و وظیفه خود میدانیم که برای بدست آوردن حقوق خود که توسط اربابهای غارتگر منطقه و بکمک ژاندارمری و ساواک پایمال شده و ظلم و ستمی که بر ما رفته است متحد شده و اختلافات و تفرقه هائی که عمداً بین ما تحمیل شده است اتحاد برادری و دوستی را جایگزین کنیم تا همه بکمک یکدیگر بتوانیم در محیطی امن و آزاد فارغ از تحا و زوغارت ظالمین و طرفداران آنها و در روستاهائی آباد زندگی کنیم بدینوسیله ضمن تشکیل شوراهای دهقانی سعی و کوشش پیگیری را تا تشکیل اتحادیه دهقانان منطقه ادامه خواهیم داد. شوراهای اتحادیه دهقانان برای هدفهای زیر کوشش مینمایند و از تمام دهقانان و خوشنشینان مردم منطقه تقاضای کنیم ضمن تشکیل شوراهای اتحادیه های منطقه از برای رسیدن به هدف و خواسته هایمان که هدف و خواست کلیه کشاورزان و زحمتکشان کردستان میباشد یاری دهند.

دولت موقت که تشکیل شوراهای دهقانی را تا فید و تثبیت کرده است مسلماً ما میلیونها زحمتکش روستا را در رسیدن به اهداف و خواسته های شرعی و قانونی بعنوان دست آورده انقلاب خونین ملت ایران یاری خواهد کرد.

۱- رفع ستم و فشار فئودالها و تامین امنیت روستا در مقابل حمله دزدان و عوامل مسلح فئودالها.

۲- کسب و تامین حقوق و خواسته های روستائیان از دولت مانند: دریافت وامهای بدون

اجتماع دهقانان «سماوک» (همدان)

همدان - خبرگزاری پارس - ۵ تیرماه ۱۳۵۸

بگزارش خبرگزاری پارس عده ای از کشاورزان روستای سماوک که اختلافاتی چند ساله مالکده داشتند دیروز در محل ساختمان فرمانداری همدان اجتماع کردند و خواستار رسیدگی به وضع خود شدند روستائیان مدعی شدند که مالکده بهترین زمین ها را به تصرف خود در آورده و زمینهای نامرغوب و غیر قابل استفاده را در اختیار روستائیان قرار داده است بگزارش خبرنگار خبرگزاری پارس با شدت یافتن دامنه این اختلاف ما موریسن ژاندارمری بیست نفر از روستائیان را دستگیر میکنند و روستائیان ضمن تماس با شورای پنج نفری و دخالت افراد سپاه پاسداران انقلاب مساله را با مدیر کل کشاورزی مطرح و تصمیم گرفته میشود که پس از تماس با وزیران کشاورزی و کشور همچنین با توجه به اختیاراتیکه در این مورد به استانها داده شده بایستی اختلاف رسیدگی شود و ضمناً افراد دستگیر شده با دادن تعهد آزاد شدند.

ملی کردن...

- بقیه از صفحه یک
- ۲۵ درصد آمریکا
- بیمه شرق ۲۰ درصد آمریکا
- بیمه حافظه ۲ درصد آمریکا و انگلیس
- بیمه البرز ۲۰ درصد انگلیس
- بیمه دانا ۲۰ درصد انگلیس
- بیمه پارس ۲۰ درصد آلمان و ایتالیا
- بیمه تهران ۲۰ درصد فرانسه
- جمع سرمایه های خارجی در این شرکتها بیمه ۷۸ میلیون تومان بوده است. ما ارقام سوهای این شرکتها را در اختیار نداریم ولی از اطلاعات پراکنده معلوم میشود که تاکنون بیش از مبلغ سرمایه های اولیه شان بشکل سود از میهن مان غارت کرده اند.
- ب- وابستگی غیر مستقیم سهمی که معمولاً بعنوان سهمی

- ۱۱- ما اخراج زحمتکشان روستاهای اطراف ارومیه و منطقه سارال و دیگر مناطق و تشکیل اتحادیه ارتجاعی فئودالها را محکوم مینمائیم.
- ۱۲- تعیین بخشدار در بخش باید با نظارت شوراهای اتحادیه ده نشینان باشد.
- ۱۳- محکوم نمودن حزب بعث عراق و تجا و زهوا پیمایهای عراقی به مرزهای ایران در سردشت و ایلام و خوزستان.
- ۱۴- ما خواهان حق تعیین سرنوشت خود و خود مختاری کردستان برهبری شیخ عزالدین حسینی هستیم.
- ۱۵- بعهت قالی بافان منطقه و صنعت قالی بافی کمک و مساعدت شود.
- ۱۶- شوراهای اتحادیه های دهقانی بهیچ حزب و گروهی وابستگی ندارند.

وارد صحنه این کارزار شده و منبع یکطرف و بر علیه طرف دیگر قرار میگیرد. ما معتقدیم که کمک به رشد تولیدات اولیا یک کمک به تولید دهقانان فقیر و میانه حال باشد و نا نیا کمک واقعی به روستائیان، متحد شدن با آنها در مبارزه با فئودالهای ستمگر و مالکان ارضی غاصب است. از اینرو جهاد سازندگی و کمک افراد شهری به سازندگی و کمک افراد شهری به سازندگی روستاها با بیدیا توجه به واقعیت مبارزه طبقاتی در روستا، بطور روشن و قاطع سمت طبقاتی کارگران کشاورزی، دهقانان فقیر و میانه حال را داشته باشد. یعنی در این مبارزه سمت مردم ستم دیده و استثمار شده را علیه مالکان غاصب و فئودالها اتخاذ کند.

مالکین ارضی غاصب و کمک به تشکیل شوراهای دهقانی. * کمک به ایجاد اتحادیه های کارگران کشاورزی برای دفاع از حقوق آنان.

جهاد سازندگی در روستا در شرایط کنونی تنها میتواند کمک به دهقانان در مبارزه شان علیه مالکین ارضی غاصب و فئودالها در روستا برای برانداختن حاکمیت آنان و ایجاد ارگانهای حاکمیت خلقی و حل مسئله زمین به نفع آنان از یکسو و کمک به رشد تولیدات دهقانی از سوی دیگر باشد.

انجام هر دوی این وظایف در گرو متشکل شدن زحمتکشان روستائی و مبارزه آنان برای حقوق حقه خویش است.

خورشید کلا (مازندران)

روز جمعه اول تیر ماه زده خوردم مسلحان ده خورشید کلا حدود ۵ کیلومتری گلوگاه (مازندران) بوقوع پیوست علت آن مسئله زمین بود. بیش از ۵۰۰ هکتار از زمین های منوچهر خان کلبادی نژاد، زمیندار بزرگ منطقه به شهر در این ده قرار دارد، سالها قبل از انقلاب شخصی بنام عمادی زمین را بصورت اجاره ای گرفته و تقریبا آنرا تصاحب کرده بود.

در پائیز سال گذشته در بحبوحه انقلاب، ۱۰ نفر از افراد قلدرو زورگوی ده، زمینها را که حق دهقانان بوده، غصب کرده و در آن گندم کاشتند. در آنزمان دهقانان بخاطر جلوگیری از ایجاد اختلاف و دعوا بین اهل ده در مقابل اینکار عکس العملی نشان ندادند. بعد از پیروزی انقلاب، دهقانان ده برای تقسیم زمین و توزیع محصول با این ۱۰ نفر وارد مذاکره شدند و نتیجه، بحث چنین شد که فعلا این ۱۰ نفر مقداری از محصول گندم را به دهقانان بدهند. در واقع هدف دهقانان از بدست آوردن این محصول صرفا استفاده برای عمران و

آبادانی ده بود. با وجود این هنگام برداشت محصول از زمین ابتدا بین افرادی از دو طرف مشاجره ای لفظی صورت میگیرد. زورگوییان مردم ده را تهدید به دعوا کردند. بعد از ظهر آن روز در محل ده دعوا لفظی شدت گرفته و کار منجر به کشیدن اسلحه شد. این عده ای غاصب، اسلحه بدست گرفته و به روی مردم بی سلاح آتش گشودند. از طرف دیگر کمیته انقلاب ده با اسلحه به آنها تا حدودی جواب دادند. تیراندازی الی ۲ ساعت ادامه داشت.

بعد از مدت کوتاهی با سداران انقلاب گلوگاه و به شهر په ده رفته و اوضاع را آرام کردند. در این زده خورد، دونفر کشته (ابراهیم جعفری و علی سلیمی) و حدود ۱۵ نفر زخمی شدند و حال یک نفر به اسم سید علی بسیار وخیم است.

البته بطوریکه شایع بود، چند نفر زورگو که مردم را به مسلسل بسته بودند در همان شب از ده فرار کردند. تمام دهقانان زحمتکش ده از مسئولین

خواستهای روستائیان از دولت مانند: دریافت وامهای بدون بهره، کود شیمیایی، بذراصلاح شده، سموم دفع آفات نباتی، ماشین آلات کشاورزی، حفراجهای عمیق و نیمه عمیق، احداث سد ها و کانالها، خدمات دام پزشکی، آموزش فنی و علمی، ایجاد در مانگاه، مدارس راهنمایی و حرفه ای، آب لوله کشی، برق، حمام، و راه.

کمبود کود شیمیائی

مسئله کمبود کود شیمیائی امسال یک مسئله مهم و مبهم کشاورزان شده است، بطوریکه کودهای شیمیائی (سولفات و اوره) بازار سیاه پیدا کرده و کشاورزان خصوصا در شمال ایران در مضیقه شدیدی میباشند. بعلمت پائین بودن سطح سیاسی و توقع زیاد از انقلاب در برخی نقاط شمال روستائیان روحیه شان نسبت به زمان انقلاب مقداری تضعیف شده است. یکی از کشاورزان که در بدر بدنبال کود شیمیائی میگردد میگوید: "ما اول با امام خمینی بودیم ولی تا حالا کار کشاورزان درست نشده" سالهای قبل ۴ هکتار زمین را ۶ هکتار صورت میدادم و فقط ۳۰۰ کیلو کود میدادند و عقیده داشتند "تجار فروش کود را در انحصار دارند و کمیتهها باید از آنان کودها را بگیرند" در حال حاضر در بازار سیاه کیلویی ۲۰ ریال بفروش میرسد در حالیکه قیمت اصلی آن حدود ۹ ریال است.

امر، خواستار دستگیری و مجازات شدید آنها هستند، تادرس خوبی باشد که دیگر چند نفر غاصب با تکیه به اسلحه ای خود به اکثریت دهقانان زورگویی نکنند و جان دهقانان از دست آنها در امان باشد.

از خواست محققانه ای اهالی خورشید کلا پشتیبانی میکنیم و مجازات غاصبین به حقوق دهقانان را خواستاریم.

۱۶- شوراهای اتحادیه های دهقانی بهیچ حزب و گروهی وابستگی ندارند.

قطعنامه کارگران و خوش نشینان «دیواندره» (کردستان)

حدود پانزده سال پیش کارگران کشاورزی و خوش نشین های دیواندره ضمن قطعنامه ای خواستار شدند که به آنها زمین برای کشاورزی داده شود، چون مایل نبودند آواره شهرهای دیگر شوند. از آنجا که به خواست آنها توجهی نشده، هفته گذشته مجددا حدود ۳۰۰ نفر از آنها در بخشداری "دیواندره" جمع شده و خواسته های خود را طی قطعنامه دیگری مطرح نمودند:

در تاریخ ۵۸/۳/۲۶ کارگران و خوش نشین های "دیواندره" که در حدود یکسال بیکار مانده ایم، آنچه را که داشته ایم خرج کردیم و هیچگونه آذوقه ای برای حداقل زنده ماندن رانداریم. و تا حال چند مرتبه موضوع فوق را بدولت بازرگان تذکر داده ایم، چنانچه به خواسته های مشروع ما تا تاریخ ۵۸/۳/۲۹ جواب مثبت داده نشود، دست به اقدامات حادتری خواهیم زد.

خواستهای ما:

- ۱) ایجاد کار برای بیکاران
- ۲) دادن وام بدون بهره و حقوق بیکاری به کارگران از طرف دولت.
- ۳) لغو کلیه بدهیهای بانکی و اداری کارگران و کشاورزان منطقه.
- ۴) تاسیس کارخانه در منطقه
- ۵) تقسیم ارضی مالکین بزرگ در بین خوش نشینان و دهقانان کم زمین.

ب- وابستگی غیر مستقیم سهمی که معمولا بعنوان سهم سرمایه گذاری داخلی اعلام میشود با شکل مختلف بازم به امیرالیستها و موسسات وابسته سهم بود. در این مورد اطلاعات دقیقی در دسترس قرار داده نشده ولی مثلا معلوم شده است که بیمه بارس ۸۰٪ متعلق به بنیاد پهلوی بوده و غیره. بعلاوه همانطور که گفته شد وجود بانکها و موسسات اعتباری وابسته همیشه این امکان را بدهد امیرالیستها داده گشته در سرمایه گذاریهای با صلاح داخلی نیز سهم باشند.

باین ترتیب با توجه به سرو کار داشتن بخشهای عظیمی از مردم و فعالیت های اجتماعی با این شرکت های بیمه، گوشه ای دیگر از نفوذ امیرالیستها را در شئون زندگی اجتماعی - اقتصادی می بین خودرأمی بینیم. حاصل این وابستگی جز خروج در آمد حاصل از دسترنج مردم به خارج و فقیر شدن روز افزون کشور البته بقیامت ثروتمند شدن مشتی سرمایه دار وابسته و بوروکراتهای وابسته بوده است. ملی کردن همه موسسات امیرالیستی و گماردن آنها در خدمت توده های مردم و اقتصاد ملی امری است که از پشتیبانی مردم برخوردار خواهد بود، بشرط آنکه سیاست قطع نفوذ و جیا اول امیرالیستها در سایر رشته ها نیز دنبال شود و سرمایه های ملی شده در خدمت رفاه خلق و توسعه و عمران کشور بکار رود و آنکه بصورت سرمایه های دولتی به جیا ول و ستم به خلق بیردازد.

کمکهای خود را به حساب بانکی زیر واریز نمایید:

بانک ملی ایران

تهران - شعبه خیابان ایرانشهر

شماره حساب ۴۵۳۶۸

پایان موفقیت آمیز...

لحاظ سن واجد شرایط نیستند در رفا و از مزایای شرکت ملی نفت برخوردار باشند دست به اعتبار زدیم. وقتی ما کارگران تعمیرات دست به اعتبار زدیم بقیه کارگران پیمانکاران دیگر هم به ما پیوستند تا از خواسته‌های همدیگر پشتیبانی کنیم. تمام خواسته‌های ما یکی بود.

خواسته‌های خود را به مقامات پالایشگاه آبادان ارائه کردیم هیچ گونه اقدامی نکردند، ما از آنها خواستیم با مقامات بالاتر تماس بگیرند. هئیتی از تهران برای انجام کارهای ما آمدند اولین جلسه را در دفتر مرکزی با حضور نماینده اعزامی از تهران (در تاریخ ۵۸/۳/۲۱) و با حضور نماینده کارگران پیمانکاریها انجام گرفت درباره خواسته‌های ما با هم صحبت کردند.

آنها گفتند این کار غیر ممکن است چون تعداد کارگران پیمانکار ۲۵ هزار نفر است این کار برای شرکت ملی نفت مقدور نیست فقط میتوانیم دست پیمانکاران را قطع کنیم و تمام کارگران پیمانکاران را از پویش تعاونی قرار دهیم.

حرفهای آنها مورد اعتراض کارگران پیمانکار قرار گرفت و آنها گفتند این کارها به وزارت کار مربوط میشود ما از وزارت کار خواهش کردیم که برای انجام کارهای ما به آبادان بیایند آقای دکتر صدیقی معاون وزیر کار به آبادان آمدند و یک جلسه را با حضور آقای دکتر صدیقی و نماینده اعزامی از شرکت ملی نفت و نماینده کارگران پیمانکارها صورت گرفت.

خواسته‌های خود را با دکتر صدیقی در میان نهادیم دکتر صدیقی در جواب به ما گفتند این حق مسلم شماست. این حرف با اعتراض هیئت اعزامی شرکت ملی نفت روبرو شد هیئت اعزامی با کار ما مخالفت میکردند و تنها گفتند میتوانیم شما را زیر پوشش تعاونی قرار بدهیم چون اختیار تام نداریم درباره شما اقدامی جهت رسمی شدن نمیتوانیم بکنیم.

جلسه تا ساعت ۱۲ شب طول کشید و آقای دکتر صدیقی گفتند ۹۰ درصد کار شما حل شد.

زیر قبول این مسئولیت نرفتند و با تهران آقای دکتر نژیبه تماس تلفنی گرفتند ولی دکتر نژیبه در خارج از ایران بصره هیئت اعزامی به ما گفتند ۵ هزار از نمایندگان پیمانکاران به تهران بیایند ولی ما مخالفت کردیم چون خواسته‌های ما مشخص بود و ما به آنها گفتیم شما نمیتوانید در تهران با مقامات مسئول صحبت کنید. جلسه پایانی گرفت و با سیاستی که داشتند پنجشنبه و جمعه را در آبادان ماندند.

آقایان هیئت اعزامی شرکت ملی نفت در روز جمعه ۵ نفر از نمایندگان ما را بدون اطلاع بقیه نماینده‌های دیگر، دعوت کردند که به منزل شماره ۳ بروند و با آنها به گفتگو نشستند و آقای دکتر صدیقی هم در این جلسه بود. در پایان صحبت با نمایندگان ما به این نتیجه رسیدند که ما را به استخدام شرکت ملی نفت ظرف ۲ سال و آن هم در صورت نیاز شرکت ملی نفت در بیآورند و کارگران پیمانکاری که واجد شرایط از لحاظ سنی نیستند را زیر پوشش دولت قرار بدهند و بصورت بخشنامه در آورند که کارگران پیمانکار اعتصاب خود را تمام کنند و بسوسر کارهایشان بروند.

این بخشنامه مورد اعتراض شدید بقیه کارگران قرار گرفت و چون هیئت اعزامی نتوانستند کاری از پیش ببرند به تهران مراجعه کردند و اعتنای به خواسته‌های ما نکردند و ما اعتصاب خود را ادامه دادیم.

بعد از چند روز آقای دکتر فروهر وزیر کار به آبادان آمدند و با نمایندگان پیمانکاران به گفتگو نشستند آقای دکتر فروهر عین گفته دکتر صدیقی را گفتند و این حق شماست که از مزایای شرکت ملی نفت استفاده کنید. واجد شرایط‌ها را استخدام میکنیم و بعد از این صحبت به اهواز مراجعه کردند و در جلسه‌ای که در اهواز داریم به خواسته‌های شما رسیدگی میکنیم ولی متأسفانه فقط حرف بود و هیچ کاری برای ما انجام ندادند.

بعد از چند روز چون خبری از خواسته‌هایمان نبود با زهم اعتراض کردیم رئیس پالایشگاه آبادان و بقیه کارمندان به گروهان گرفته شدند و از کارمندان

رنجبر

تماس گرفت و با آقای دکتر نژیبه صحبت کردند و رئیس پالایشگاه آقای دکتر نژیبه خواستیم بوندند که به ما جواب بدهند و با آقای دکتر فروهر هم تماس گرفتند و گفتند پس قولی که داده بودید چرا عمل نکردید. و در این مدت رئیس پالایشگاه حقوق ما را توقیف کردند و آقای دکتر نژیبه به رئیس پالایشگاه آبادان دست‌یور دادند حقوق کارگران را پرداخت کنند در تماس تلفنی که برقرار شد دکتر نژیبه و آقای فروهر قول دادند هر چه زودتر هیئتی از تهران بفرستند و بعد ساعت ۱۵ شب رئیس پالایشگاه آزاد شد.

هیئتی که قرار بود فردای آنروز به آبادان آمدند. جلسه اول با حضور نماینده وزارت کار انجام گرفت و تمام خواسته‌هایمان را به وزیر کار دادیم و با بعضی از خواسته‌های ما موافقت کردند و در مورد یکی از خواسته‌هایمان قرار شد تا اسفند ما را بیه استفاده شرکت ملی نفت در بیآورند و اینکار مورد قبول تمام نماینده کارگران پیمانکار قرار گرفت و خواسته دیگر حقوق مسکن و هزینه خواروبار بود گرفتیم و افرادی که واجد شرایط نیستند زیر نظر شرکت ملی نفت خواهند بود.

ما تقریباً ۷۰ درصد از خواسته‌هایمان را گرفتیم و بقیه خواسته‌ها را برای حرکت‌های بعدی گذاشیم در بین ما ۳ نفر از نمایندگان افراطی چپ بودند که قصد داشتند تمام خواسته‌ها را بگیرند ولی ما از وضع دولت اطلاع داریم. اکثر نماینده‌ها با خواسته‌هایی که داده بودند موافقت کردند و این نماینده‌ها (سه نفر) تصدیه هم زدن جلسه را داشتند و چند نفر از پاسداران انقلاب در بین ما بودند و این نمایندگان شناسایی شدند. نمایندگان افراطی، ما را ارتجاعی میدانستند و میگفتند شما نباید سازش کار باشید این گفتگو مورد اعتراض بقیه نمایندگان کارگران پیمانکارها قرار گرفت و پاسداران از ما خواستند در صورتیکه اجازه بدهیم این چند نفر نماینده که قصد خراب کردن کار را داشتند بزداشت کنند که چنین نشد چون خواسته‌هایمان را گرفتیم بقیه نماینده‌ها امضاء کردند جلسه تا ساعت ۱۵ شب

ایران دو چرخ...

"رانندگان و کمک رانندگان و کارمندان این قسمت، از این شخص، دل خوشی ندارند و حتی چند بار هم وراکتک زده‌اند". در جلسه گفتگویی با کارکنان ترابری که سرپرست قسمت نیز حاضر بود، کارگران بوجود تبعیض آشکاره کردند و نمودارهای تهیه شده از طرف سرپرست ترابری که یک نمونه آن به دیوار قسمت نصب شده بود نیز بعنوان تأییدی این مدعا عرضه می نمودند. سرپرست قسمت در این مورد توضیحاتی داد و مسئله تبعیض را رد کرد. مورد کتک کاری راهم کارگران و هم سرپرست این قسمت تکذیب میکردند.

۴- در مورد شورای کارگران در گزارش آمده بود: "کارخانه یک شورای کارگران" دارد ولی صاحبان و گردانندگان کارخانه سعی می کنند کارگران را نسبت به آن بدبین و ما یوس کرده و ثابت کنند که اینها نمی توانند برای کارگران کاری انجام دهند. حتی در صد جلب چند نفر از اعضای این شورا نیز که فقط به فکر منافع شخصی خود هستند برآمده‌اند. بعنوان مثال به دو نفر از آنان بدون اضافه کار کردن ۱۰۰ ساعت اضافه کار تعلق گرفته است. اعضای شورا ابراز کردند که یکی از این دو نفر قبلاً با بت اضافه کاری که می کرده طبق کارت ساعت، اضافه حقوق میگرفته و دیگری طبق کیلومتر مسافتی که میرفته، اضافه کاری تعلق میگرفته است. ولی پس از عضویت در شورا، این دو نفر به سرپرستی قسمت تعیین شدند و چون اضافه کاری سابق آنها حذف شد، برای جبران آن، با تصویب شورا به هر کدام ۱۰۰ ساعت اضافه کاری بدون انجام کار تعلق گرفت. تعدادی از کارکنان کارخانه نسبت به پرداخت حقوق اضافه کاری بدون انجام کار به یکی از این افراد اعتراض داشتند و پرداخت اضافه کاری را به این دو نفر، ایجاد میدانستند.

به اعتقاد ما، گزارش "نگاهی به کارخانه ایران دو چرخ"، با حرکت از خواست کارگران و کارکنان زحمتکش و میهن دوست این کارخانه نوشته شده و ضمن نشان دادن روحیه رزمنده زحمتکشان این کارخانه،

همیشه سعی در ایجاد نفاق بین کارکنان و جلوگیری از اتحاد و یکپارچگی آنان داشته‌اند تا از این طریق بتوانند کارگران و کارکنان زحمتکش این کارخانه را تا سرحد امکان مورد استثمار و بهره‌کشی قرار دهند. درست است که پس از پیروزی انقلاب، شورای کارگران کارخانه در سایه وحدت و تشکل کارگران تشکیل شده است، ولی قدرت اجرایی این شورا به زعم اعضای آن از حدیک "کمیته مشورتی" که در رابطه با کارفرما کارخانه را بچرخاند، فراتر نمی رود. و با زدرست است که شورا از زمان تشکیل خود در جهت رفاه کارگران و کارکنان کارخانه منشاء خدماتی بوده است و از اعتماد اکثریت کارکنان برخوردار می باشد. ولی، این مانع از این نمی شود که اگر در حال حاضر تبعیض‌هایی در کارخانه وجود دارد از آنها صحبت نشود و یا سایر خواسته‌های رفاهی کارگران مطرح نگردد. ما معتقدیم که شورا در مقابل صاحبان کارخانه و برای پیشبرد منافع خود، رفع تبعیض‌های موجود و تحقق خواسته‌های رفاهی کارگران و کارکنان، باید به نیروی عظیمی که آنان را به عنوان نمایندگان خود برگزیده‌اند، متکی باشند. منافع اعضای شورا از منافع کارگران و کارکنان کارخانه جدا نیست و سرمایه داران وابسته‌ای که مالک کارخانه هستند همواره سعی دارند بدبین کارکنان کارخانه تفرقه بینا نازند، صفوف متحد آنها را درهم بشکنند. عکس العمل اعضای شورا در مقابل این توطئه‌ها و دسیسه‌چینی‌ها باید این باشد که برهشیاری خودبیا فزاینده، منافع خود را جزئی از منافع بقیه کارگران و کارکنان بدانند. از خواسته‌های عادلانه کارگران و کارکنان کارخانه دفاع کنند و بر علیه هرگونه تبعیض، تبعیضات بر علیه هرگونه تبعیض، تبعیضات اعمال میشود، مبارزه نمایند. در این رابطه، اعضای شورا باید همیشه ارتباط زنده و دائمی خود را با توده کارگران و کارکنان کارخانه حفظ نمایند، کارگران و کارمندان را در جریان کار و تصمیمات روزمره خود قرار بدهند. جلسات سخنرانی و بحث‌های اقناعی و توجیهی برگزار کنند و برای پیشرفت کارها از کارگران و کارکنان کارخانه نظر خواهی نمایند.

کنیم. جلسه تا ساعت ۱۲ شب طول کشید و آقای دکتر صدیقی گفتند ۹۰ درصد کار شما حل شده است با این حرف دکتر صدیقی تقریباً ما کارها را تمام شده میدانستیم ولی متأسفانه در جلسه دوم با مخالفت هیئت اعزامی روبرو شدیم در جلسه‌های دیگر که انجام گرفت متأسفانه دکتر صدیقی را از این کار منصرف کرده بودند و دکتر صدیقی گفت من کوشش خود را کردم ولی هیئت اعزامی شرکت ملی نفت

اعتراض کردیم رئیس پالایشگاه آبادان و بقیه کارمندان به گروهان گرفته شدند و از کارمندان شرکت ملی نفت خواسته شد بخاطر تعدادی کارمندان زن با آنها بودند ساعت و نیم بعد آنها آزاد شدند و فقط رئیس پالایشگاه و رئیس اداره کار آبادان آزاد نشدند از رئیس پالایشگاه خواهش شد هیئتی از تهران بیایند و خواسته‌های ما را انجام بدهند و رئیس پالایشگاه فوری با تهران

مردن در دربار سندب زده است کنند که چنین نشد چون خواسته‌هایمان را گرفتیم بقیه نماینده‌ها امضاء کردند جلسه تا ساعت ۱۰ شب طول کشید و روز بعد آن رابه صورت بخشنامه گردیم و به تمام کارگران دادیم. در تاریخ ۵/۳/۵۸ به اعتصاب خود خاتمه دادیم و کارگران با علاقه هرچه بیشتر و با جان و دل بسر کارهایشان بازگشتند.



دره دل

بقیه از صفحه ۳ هفته یک جفت تسمه برای باهام که پاره میشود بقیمت ۹۰۰ ریال و یک جفت جوراب مخصوص هر هفته ۱۲۰۰ ریال باید خریداری نمایم. عملاً متوجه میشوید که همین شکستن بایم چقدر برایم خرج دارد. در حالیکه هیچ دستگاهی حتی بیمه بمن پولی نپرداخته و تمام این پولها را خودم پرداختم و عمدتاً بصورت قرض بدون بهره از اشخاص می‌گرفتم. چنانچه باید به معلولین وام بدهند. چنانچه باید وام به رسمی و بیمانی‌ها تعلق گیرد. هستند کسانی هم مانند من متأسفانه آقای یونس یوسفی که نقض عضو پیدا کرده. دولت باید به وضع ما رسیدگی کند. چنانچه نباید بتوانم از دفترچه بیمه جهت تعمیر و یا خرجهای پاهایم استفاده نمایم. چرا دولت بوضع شکایت ما علیه "کمیلیان" که بی‌ما خیانت کرده و ظلم کرده رسیدگی نمی‌کند و دادگاهش را تشکیل نمیده و در حالیکه او هم اکنون پست مدیر کلی اداره راه و ترابری رشت را بعهده دارد. در زمان "کمیلیان" او بعبا وین مختلف

افراد را اخراج میکرد و این عده بیش از ۵۰ نفرند و آنها سالهای سال در این اداره و کارگاه کار کرده اند هر کس در کارش صادق و درستکار بود و حقش را میخواست او را اخراج میکرد. بخاطر یک کله قند که میخواستم از شرکت تعاونی بگیرم و احتیاج داشتم، مرا مورد توبیخ و تنبیه قرارداد. بارها مرا نزد کلیه کارمندان کتک میزد و قحاشی میکرد. دولت باید به تمام این مسائلی رسیدگی کند. ما خواهان تشکیل دادگاه این شخص هستیم و میخواهیم در دادگاه با اسنادی که داریم به خیانت‌های او، دزدیهای او و تهمت‌های او رسیدگی شود چرا او باید آزاد باشد دولت از کسی حمایت میکند. در کارگران شخصی بنام فلسفی ۶ هکتار زمین را بخاطر تبدیل زمینهای زراعی به مسکونی به "کمیلیان" داد. از این مقدار ۳ هکتار آنرا رئیس اداره بانور چشمی‌ها تقسیم کردند و بقیه آنرا خاخانه مسکونی ساختند ولی من وقتی باین وضع اعتراض کردم مسود فحش و تنبیه و توبیخ رئیس قرار گرفتم. آقای غلامحسن لطیفی که او

رادر اداره بنام "لطیف" صدا میکنند یکی از کارگرهای زحمتکش ماست که حقوقش مورد تجاوز و اعمال ساواک قرار گرفت و میخواهد که دولت هر چه سریعتر به وضع او و امثال او توجه نماید. بهمین منظور ایشان یک قطعه از عکسهایش را جهت چاپ در "رنجیر" پماد داده همراه با دردهایش در "رنجیر" چاپ شود زیرا معتقد بود هر جا که خودم هستم دردهایم هم هست.

پای صحبت...

بقیه از صفحه ۳ من در این خرابه که زمستان از سقفش باران میبارد و اطمینانی برای زندگی در آن نیست نگاه نفر دیگر چگونه زندگی میکنم در گذشته هر وقت توانسته‌ام بخرج خودم اطاق را سیما کرده‌ام تا بر سرزن و بجهانم و خودم پائین نیاید. حتی در این ۱۸ سال در حیاط خانه باغچه‌ای درست کرده‌ام. آب تصفیه هم نداریم در حالیکه در کنار کارون زندگی میکنیم. حال شما بگوئید یک کارگر بیکار با ۵۰۰۰ تومان، صاحبخانه هم بکمک وکیل از طریق دادگستری برایم احضار بفرستاده تا مرا بیرون کند، شما بگوئید که من چه میتوانم بکنم؟ آیا انقلاب شده که مرا با بچه‌هایم در این بیکاری از خانه‌ام که کلبه خرابه‌ای است، بیرون کنند؟ اگر کار داشتیم شاید آمدی بود که بتوانم در جایی دیگر مسکن تهیه کنم. اما حالا با ۵ نفر و بیکاری من کجا میتوانم اطاق

زحمتکش و میهن دوست این کارخانه نوشته شده و ضمن نشان دادن روحیه رزمنده زحمتکشان این کارخانه، نشانگریاره‌ای تبعیضات در کارخانه مزبور نیز می‌باشد. در این گزارش، شورای کارگران کارخانه به عنوان نماینده کارگران معرفی شده است و از توطئه‌ها و دسیسه‌های تفرقه افکنانه‌ی صاحبان کارخانه و عوامل آنها برای فاصله انداختن بین کارگران و شورا در جهت ایجاد شکاف بین صفوف متحد کارگران و کارکنان این کارخانه برده برداشته شده است. برای این رابطه، این سؤال مطرح میشود که این افشاگریها به نفع چه کسانی و به ضرر چه کسانی است و چه کسانی از این افشاگریها برآشفتند و خوشمگین میشوند؟ کارخانه ایران دو چرخ، یک واحد وابسته به سرمایه‌امپریالیستی است که صاحبان آن در زمان رژیم ضد کارگری سابق با کمک دستگاهی "سرکوبگر رژیم (ساواک، پلیس، ...)

جست‌وجوی سحر، بی‌وین و توجیهی برگز آرکنند و برای پیشرفت کارها از کارگران و کارکنان کارخانه نظر خواهی نمایند، همیشه آماده انتقاد از خود و شنیدن و قبول انتقاد دیگران باشند. تنها در سایه وحدت، تشکلی و یکپارچگی کارگران و کارکنان کارخانه و ارتباط زنده و واقعی آنان با شورای منتخب خویش است که صاحبان کارخانه ناگزیر از تن دادن به خواسته‌های بحسب عادلانه آنان خواهند شد. از طرف دیگر، دولت باید هر چه زودتر تکلیف اینگونه کارخانه‌ها و صاحبان آنها را روشن نماید. ملی کردن این کارخانه‌ها، نه به معنای دولتی کردن و تغییر مدیریت آنها، بلکه در شکل قطع وابستگی آنها به خارج، قرارداد دادن آنها در مسیر انقلاب و کمک به رشد تولیدات ملی، می‌تواند به شکوفائی اقتصاد ملی، تحکیم استقلال و تأمین رفاه زحمتکشان خدمت نماید.

کارگران و...

بقیه از صفحه ۳ حال برای اینکه بیشتر با این عامل ساواک آشنا شوید مسائل را از خود کارگران و کارمندان بشنوید: کارگر: ما خواستار تشکیل دادگاه و رسیدگی به اعمال و دزدیهای این شخص در مدت ۴ سال که در اینجا بوده‌ایم. باید روشن شود ساختمانها چگونه ساخته شده چقدر خرج برداشته و آنرا برآورد کنند. زمینهای که "فلسفی" مجاناً داده باید بطور مساوات تقسیم شود. این درست نیست که کسی که ۲۰ سال زحمت میکشد بآن خانه

بدست آورم؟ سه فرزندم به مدرسه می‌روند، سبب - چون زبان آنها فارسی نیست ۲ نفر از آنها از فارسی تجدید آورده‌اند. آخر من که خودم بزور فارسی صحبت میکنم بچه‌ام کجا میتواند در مدرسه فارسی یاد بگیرد؟ میبینی وقتی با او صحبت میکنی همه چیز را خوب نمیفهمد. اینهم وضع درس اینهاست.

بدهند و به کسی که هنر ور در دانشکده درس میخواند خانه بدهند. محسن بنای پتور (راننده ماشین آلات کارگاه): "بناوین مختلف ماشین بمن تحویل میداد و آنرا توی کارگاه میخوابانده که مرا اذیت کند بمن فحش میداد تهدید میکرد من را دادگاه خواهد کرد که کار نمیکنم ۳ ماهه بناوین مختلف بمن فوق العاده نداد و اداره را مانند ساواک درست کرده بود. بی سیمها و تلفن هادر کنترل بودند. نمی توانستیم تلفن بزنییم، تلفن کارگاه منتقم بود آنرا داخلی کرد، تعدادی دستگاه خریدند که بهیچوجه بدر این کارگاه نمیخورد مانند میپانزکتور و ستر (تنظیم موتور) منتهی روی این دستگاهها منافع داشت. محمد علی حلالی (راننده): ۳ سال راننده رسمی بودم بخاطر اینکه در "خوش ییلاق" کار میکردم و میبایست فوق العاده بیشتر بدهد. چون اعتراض کردم بجهام را از اداره بیرون کرد. بقیه در صفحه ۴

تصحیح

در رنجیر شماره قبل در مقاله‌ای راجع به تهاجم فئودالی در فارس اشتباهاتی رخ داده است که به تصحیح آن میپردازیم: در عنوان مقاله "رضا آباد"

صحیح میباشد که به غلط "فیروز آباد" آورده شده. در صفحه اول ستون ۲ خط هفتم قاسم جلیلی غلط و قاسم دبیری صحیح است همچنین در صفحه ۵ ستون دوم سطر هیجدهم خسرو خان قشقای صحیح میباشد که به غلط خسرو خان غقاری آورده شده است.

بقیه از صفحه ده

با استناد به "تفویر تقسیم سوسیالیستی بین المللی کار"، شوروی تحت عنوان "هماهنگ کردن برنامه‌ها" و نیز بمنظور کنترل تولید، افرادی را برای نظارت در کار سازمانهای اقتصادی کشورهای "برادر" در این کشورها می‌گمارد. مثلا در جمهوری مغولستان در بسیاری از وزارتخانه‌ها، روس‌هایی تحت عنوان "نمایندگان مشاور"، یا "متخصص" وجود دارند که در رابطه با مسائل عمده اقتصادی مغولستان دارای حق وتو هستند و اجازه دارند نظریه وزیر مربوط را نیز وتو کنند. در کتابی که در سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) تحت عنوان "برنامه" ادغام اقتصادی طرح شده توسط شوروی در کمکهای متقابل اقتصادی تا چه درجه توسعه یافته است؟ در محارستان چاپ شد، می‌خوانیم: "حاکمیت بعضی کشورهای کوچک (اروپای شرقی) بخاطر اجرای برنامه "ادغام اقتصادی"، محدود شده است

در مقابل این خدمات برخسته "برادر بزرگ" برادران کوچکتر موظف شده‌اند که تحت عناوین مختلف قدرت اقتصادی خودشان را مستقیما در خدمت پیشرفت اقتصاد شوروی بگذارند. مثلا این "برادران" مجبورند یول لازم را برای انجام ۲۰ پروژه "بزرگ صنعتی در اختیار شوروی کمکهای متقابل اقتصادی" بگذارند. بیشتر این صنایع البته در خاک کشور "برادر بزرگتر" برپا می‌گردند. مثال دیگر اینکه برادرهای کوچکتر وظیفه دارند برای توسعه صنایع برادر بزرگتر "وام"‌هایی در اختیار او بگذارند. کشور چکسلواکی به تنهایی در دهه ۵۹-۱۳۴۹ با این منظور سرمایه‌های به ارزش ۲۰۰۰ میلیون روبل در اختیار شوروی قرار داده است. بین سالهای ۵۴-۱۳۵۰ شوروی با کشورهای اروپای شرقی قراردادهایی بست که طبق آن "وامهای مخصوص" از طرف این کشورها به شوروی داده شده مبلغ آن از ۱۰۰۰ میلیون روبل هم تجاوز می‌کند. و یا مثال دیگر اینکه برادران کوچک وظیفه دارند برای رشد اقتصادی برادر بزرگ نیروی انسانی هم در اختیار او بگذارند، هر ساله هزاران کارگر از کشورهای "برادر" به شوروی می‌روند تا در تاسیساتیکه با سرمایه همین کشورها در شوروی ساخته می‌شوند کار کنند.

اینها نمونه‌های بسیار کوچک هستند از همکاری اقتصادی کشورهای "برادر" که اکنون به ادغام اقتصادی این کشورها در کشور بزرگ "برادر" منجر شده است. مثالهای فراوان دیگری مانند غارت منابع زیرزمینی نادر، کنترل تجارت خارجی کشورهای "برادر" با فشار و تهدید، کنترل صنایع این کشورها از طریق انحصار، عرضه سوخت، و غیره بخوبی نماینگر این هستند که کشورهای اروپای شرقی تحت کنترل شوروی، اکنون در واقع زائده‌های کوچکی از "برادر بزرگ" می‌باشند و تحت استثمار و غارت آن قرار دارند.

آیا این جریان تصادفی است؟ ابداء، در تابستان سال ۱۳۵۰ (ژوئیه ۱۹۷۱) "شورای کمکهای متقابل اقتصادی" طرحی را تصویب رساند که عنوانش این بود: "برنامه" جامع برای ادغام اقتصادی. برطبق این برنامه کشورهای عضو شوروی موظف شدند که "از نظر تولید، علوم و تکنولوژی، تجارت خارجی و امور پولی و مالی، در طی مدت زمانی بین ۱۵ تا ۲۰ سال کاملا درهم ادغام گردند". البته روشن است که ادغام شدن در هم، چیزی جز ادغام شدن در کشور "برادر بزرگتر" و تشدید غارت از طرف شوروی نیست.

در اینجا باید آن جمله مشهور سوسیال امپریالیستهارا که در کتاب "خطوط اصلی تاریخ اسلاوهای جنوبی و غربی" ثبت شده است بیاد آورد: "روسیه پدر بزرگ کشورهای اسلاواست (منظور کشورهای اروپای شرقی است) و این کشورها قوم و خویشهای بچه سال او می‌باشند. این پدر بزرگ مهربان و شجاع قوم و خویشهای جوان خود را آزاد خواهد کرد." و این "آزادی" که اکنون بشکل

رنجبر و خوانندگان

نامه مادر رفیق شهید تقی سلیمانی

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ایران

تقاضای یک مادر داغ دیده را که مریض بودم، نتوانستم تهران بیایم و در دادگاه آرش شرکت کنم انجام دهید. چرا این جانی کثیف بنام آرش دیشب در دادگاه به فرزند من محمد تقی سلیمانی لواسانی تهمت زد که در زندان خودکشی کرده است! فرزند من از ۱۴ سالگی مبارزه می‌کرد از سال ۴۲. اواز غذا خوردن خودداری می‌کرد که به بیچارگان کمک کند.

فرزند ۲۷ ساله مرا بگفته زندانیهای آزاد شده پس از ۷ روز شکنجه زیر دست آرش و یک روز زیر دست حسینی به شهادت رسید. عید امسال که مزار فرزند من به همت امام خمینی بعد از سه سال پیدا شد، من سرتیبر او بودم که فرزند من که از زندان آزاد شده بودند، نزد من آمدند و به من گفتند، مادر، تقی مقاوم بود زیر سخت ترین شکنجه‌ها لب به سخن نگشود و به شهادت رسید.

آقای رئیس دادگاه چرا گذاشتید در دادگاه انقلاب اسلامی فقط آرش شکنجه‌گر صحبت کند؟ چرا وقتی به فرزند مبارز من تهمت دروغ خودکشی بست حرفی نزدیید سوالی نکردید؟ اینست عدل علی! چرا نپرسیدید مگر در سلولهای رژیم فرشانداخته‌اند که تقی از آن طناب درست کند. چرا زندانیهای هم دوره تقی را

مهره‌های رستاخیز در روستاهای فارس

هئیت تحریریه محترم رنجبر! از آنجائیکه بارها در رنجبر مطالب متعددی در مورد افساء عناصر ساواکی و ضد انقلابی در فارس چاپ شده است و در حالیکه هنوز هیچ مقامی در مورد سرکوب این عناصر اقدام نکرده و تنها شما قید که حداقل به افساء آنسان می‌پردازید لذا ما عده‌ای از

کنید برای جسد بدرک واصل شده آرش.

مادر شهید

محمد تقی سلیمانی لواسانی

کرمانشاه ۴/۵ ۵۸

رونوشت: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، روزنامه جمهوری اسلامی، روزنامه انقلاب اسلامی، روزنامه اطلاعات، روزنامه کیهان، روزنامه آیندگان، روزنامه پیغام امروز و نشریه رنجبر.

گزارشی از ایرانشهر (بلوچستان)

کرده است که اگر به کارهای خود ادامه بدهند، توسط او و یارانش نابود خواهند شد. چند وقت پیش هم او و یارانش به رادیو ایرانشهر حمله کرده و یک ماشین آنرا با خود برده‌اند. علت کشیده شدن رحیم به این جریانها، به چند سال پیش مربوط میشود: شخصی بنام کریم بخش که

سردار بوده سه دوره تمانینه مجلس بوده است. با ظلم و جور و پشیمانی از طرف ژاندارمری، چند سال پیش، به آزار و اذیت بیفکنیم:

در تاریخ ۲۵ بهمن ۵۷ چند سردار و فرمانده ژاندارمری زاهدان که متواری شده بودند، توطئه چیده و شهر ایرانشهر را به آتش می‌کشند. همین سردارها، در مدتی کمتر از چند روز پس از این واقعه، با انقلاب و امام خمینی و دولت اعلام همبستگی میکنند و اعمال خود را در پشت این اعلام همبستگی پنهان می‌کنند. مردم که ماهیت آنها را و اینکه سالها چماق رژیم برای سرکوبی و استثمار رخلق بلوچ بودند، می‌شناختند، شروع به اعتراض علیه آنها کردند که متاسفانه دولت هیچ عکس العملی نشان نداد و آنها آزادانه هنوز هم به کارهای گذشته خود مشغولند. آنها با گروهگان گیریهای ساختگی، خود را در مقابل دولت مردم و در منطقه با نفوذ نشان دادند یعنی عمال آنها شخصی را گروهگان میگرفتند و این سرداران بین دولت و عمالشان میانجی می‌شدند و گروهگان آزاد میشد. دولت هم با فکر اینکه آنها میتوانند آراش را در منطقه حفظ کنند، آنها

یکی از خوانندگان طی نامه‌ای از اوضاع ایرانشهر (بلوچستان) چنین می‌نویسد: در شب جمعه ۲۵ خرداد گروهی به رادیوی ایرانشهر حمله می‌شوند. یک نفر از یارانش کشته و دو نفر زخمی و تعدادی اسلحه توسط مهاجمین به غنیمت برده میشود.

برای روشن تر شدن موضوع بهتر است به جریاناتی که در ایرانشهر می‌گذرد، نظر سری بیفکنیم:

در تاریخ ۲۵ بهمن ۵۷ چند سردار و فرمانده ژاندارمری زاهدان که متواری شده بودند، توطئه چیده و شهر ایرانشهر را به آتش می‌کشند. همین سردارها، در مدتی کمتر از چند روز پس از این واقعه، با انقلاب و امام خمینی و دولت اعلام همبستگی میکنند و اعمال خود را در پشت این اعلام همبستگی پنهان می‌کنند. مردم که ماهیت آنها را و اینکه سالها چماق رژیم برای سرکوبی و استثمار رخلق بلوچ بودند، می‌شناختند، شروع به اعتراض علیه آنها کردند که متاسفانه دولت هیچ عکس العملی نشان نداد و آنها آزادانه هنوز هم به کارهای گذشته خود مشغولند. آنها با گروهگان گیریهای ساختگی، خود را در مقابل دولت مردم و در منطقه با نفوذ نشان دادند یعنی عمال آنها شخصی را گروهگان میگرفتند و این سرداران بین دولت و عمالشان میانجی می‌شدند و گروهگان آزاد میشد. دولت هم با فکر اینکه آنها میتوانند آراش را در منطقه حفظ کنند، آنها

تصورهای اروپای شرقی است و این سورت سوم و سومی است و سال او میباشند. این پدر بزرگ مهربان و شجاع قوم و خویشهای جوان خود را آزاد خواهد کرد. و این "آزادی" که اکنون بشکل "ادغام اقتصادی" مطرح شده است عملاً چیزی نیست جز "الحاق طلبی" کنترل و غارت منابع ملی این کشورها که بشکل استعمار نواز طرف سوسیال - امپریالیستهای شوروی اعمال میشود.

نامه دفتر... بقیه از صفحه یک

با این اتهامات برخورد کرده و خواهیم کرد. حال که دادگاه انقلاب اسلامی مرتکب جنایتی اشتباهی در اجازه دادن به این دو جلاد معدوم در حمله به خلق شده است و صداوسیما جمهوری اسلامی نیز بدنبال آن لاپلاطیات ایندو را وسیعاً پخش کرده جای آن دارد که به همه سازمانهای مبارزی که علیه رژیم شاه خائن و امپریالیسم مبارزه می نمودند و منجمله سازمان ما، به همه زندانیان سیاسی که اسیر جنگل جلادان سفاک ساواک بخصوص تهرانی و آرش بوده اند و به همه خانواده شهدا بخصوص کسانی که بدست ایندو جلاد به شهادت رسیده اند اجازه داده شود که بر نامه های تلویزیون و رادیو جواب مزخرفات ایندو را بدهند و واقعیت را روشن سازند. این لاداقل کاری است که شما برای جبران اشتباه بزرگ خودتان میتوانید بکنید.

ما مصرانه درخواست میکنیم که به سازمان انقلابی اجازه داده شود تا در تلویزیون طی مدت زمانی لااقل مساوی آنچه تهرانی و آرش در مورد سازمان ما دروغ گفتند و توطئه کردند در تلویزیون حقایق را روشن کنیم و دروغها و توطئه های ساواک را برملا سازیم. آخرین پرده های که از توطئه ها و دروغهای ایندو جلاد دیشب از تلویزیون پخش شد، اتهام دروغ آرش در مورد خودکشی رفیق شهید محمد تقی سلیمانی لواسانی بود. ما این دروغ را رد می کنیم و بموجب دلائل متعدد و شهادت دهها تن از زندانیان سیاسی اعلام میداریم که رفیق تقی سلیمانی بدست شکنجه گران ساواک و مشخصاً آرش به شهادت رسیده است.

با تقدیم احترام
دفتر سیاسی سازمان انقلابی
۱۳۵۸/۴/۵

عناصر اقدام نکرده و تنها شما قید که حداقل به افشاء آن سازمان میپردازید لذا ما عده ای از جوانان عشایر تصمیم گرفتیم که گزارشی در مورد فعالیت های این عناصر ضد انقلابی برای جاب در رنجبر ارسال داریم و هم چنان در صدد هستیم که از طریق افشاء این عناصر خواستار اقدام جدی در مورد آنان باشیم.

زکی حسامی و قربان حسامی از مهربان های فعال و سرسخت رستاخیز بوده اکثر قشقاتیها این دو عنصر رستاخیزی را میشناسند که آنها برای مقام و ریاست بالاتر چه کوشش هایی که نمی کردند تمام شناسنامه های قریه بابامنیر - رباط - کردیان و قشقاتیها را جمع آوری میکردند تا بهتر بتوانند خون این قشر زحمتکش و فعال را بگیرند و نثار خوگهای کثیف طاغوت بنمایند. اوراق رستاخیز در شیراز را ورق بزنید مشخص میشود.

زکی حسامی و قربان حسامی با داشتن قدرت رستاخیزی دست به اعمال غیر انسانی متعددی زده اند که شما هم از آنرا ذکر میکنیم:

(۱) قطع آب بروی ده خانواده قریه کردیان که سالهای سال با نداشتن بهداشت و بدبختی بسر برده اند چون مالک کوبنده آنها زکی حسامی - قربان حسامی بوده بخاطر کثیف بودن آب آشامیدن مدها نفر قربانی عمل ضد انسانی این عنصرهای پلیید و کثیف شده است.

(۲) زمینهای حاصل خیزشان که جوایگوی نیازهای آنها میشده از آنها گرفته به املاک خودشان افزوده و هیچ فردی سهم نمیتوانسته، نطقی بکشد.

(۳) در حوالی قریه توربان طایفه ای بنام لک وجود دارد که زکی حسامی - قربان حسامی تمام زمینهای این گروه فعال را گرفته و آنها را از زمینهای آب و اجدادی خودشان دور انداخته. تمام آنها این روزها پهریباد میکنند ولی هنوز زکی حسامی -

و گروگان آزاد میشود. دولت هم با فکر اینکه آنها میتوانند آرامش را در منطقه حفظ کنند آنها را تقویت کرده و حتی مسلح شان نیز کرده است. بهر صورت اوضاع طوری است که افراد این سردارها، آزادانه و مسلح در شهر پرسه میزنند. هر روز در شهر از خانه های یا مغازه های چیزی به سرقت میروند که برای دستگیری عاملان آن هیچ اقدامی از طرف دولت نمیشود.

عدم پخش اخبار از رادیو ایران شهر، باعث گین شدن و ناراحت شدن آنها شده است. با توجه به مسائل فوق گفته میشود که این حمله دودهد داشته است. یکی اعتراض به رادیو در عدم پخش اخبار ایران شهر و دیگری تهیه اسلحه، چنانچه مهاجمان چند قبضه اسلحه هم برده اند. گفته میشود که این حمله را گروهی که توسط شخصی بنام رحیم رهبری میشود، انجام داده اند. رحیم بلوچ است و از طبقه ای بیسواد و فقیر و گفتمانی میشود که طی دوا اعلامیه ای که دستخط است و در ایران شهر از طرف او پخش شده است، اوسرداران را تهدید

قربان حسامی دارای قدرت فوق العاده ای میباشد و آنها را میگویند. باید رسیدگی شود و نتایج عادلانه آنها اعلام گردد. اسامی برخی از قربانیان عبارتند از:

قربان خان زندی - محمد زندی - رسول زندی با فرزندان درویش لک زندی. سعدی زندی لک - امان لک - غریب لک با فرزندان فرزانه زندی لک طهراس زندی - الف لک با برادرانش - قاری لک زندی - حیدر لک - گنجی لک - ناصر گدی جلی.

(۴) از طایفه طیبی مدها هکتار زمین کشاورزی را گرفته اند و آنها را سرکوب نموده اند که این روزها اگر گروه تحقیقاتی در عمل باشد خیلی مشخص و معین میباشد که این دو عنصر باقیمانده رژیم پیوسیده چه اعمال غیر انسانی کرده اند. "عده ای از جوانان عشایر"

رادیو ایران شهر و زخمی شدن دو تن دیگر گویا به علت مقاومتی بوده است که آنان کرده اند. گفته میشود که دونفر دیگر به نامهای اعظم و رسول بخش هم به رحیم پیوسته اند. این دوا فسراد سرداری بنام بارک زهی بودند که هنگام متشنج شدن روابط ایران و عراق در چند سال گذشته، گروهی مسلح در بلوچستان بوجود آورد که میگویند نقشه عراقی ها برای متشنج تر کردن اوضاع بوده است. پس از حمله اختلافات ایران و عراق، بهرام خان تسلیم میشود ولی این دوتن تسلیم نمیشوند و مدتی در کوهها مخفی میمانند تا آنکه سرداری بنام حاجی علی بخش به آنها قول میدهد که دولت کاریشان نداشته باشد. دولت هم برای آنها در کنار خانه ای تهیه میکند تا آنکه ۵ سال پیش توسط ساواک دستگیر و پس از شکنجه به زندان می افتند تا اعدام شوند. با بالا گرفتن مبارزات مردم در بهمن ماه ۱۳۵۷ و شکسته شدن زندان در زاهدان، آنها آزاد میشوند و اولین کاری که میکنند این است که حاج علی بخش را میکشد. آنها هم سردارها را تهدید میکنند. چندی پیش که دنبال شخصی بودند و فکر میکردند که وی در روستایی بنام بندیان (در سر راه ایران شهر - چاه بهار) است، به آنجا میروند که بین آنها و مردم که مسلح بودند درگیری بوجود میآید که چند نفری کشته میشوند و آنها متواری میشوند. گفته میشود که ایندو به رحیم پیوسته اند.

با توجه به اوضاع متشنج منطقه، باید بدولت هشدار داد تا نیل از آنکه مردم علیه سرداران که مسلح شده اند و روز بروز بیشتر قدرت گرفته و مردم را بیشتر اذیت می کنند، قیام نکرده و موجب وخیم تر شدن اوضاع و کشته شدن افراد بیگناه نشوند. به اوضاع منطقه و سرداران وابسته به رژیم ظالم سابق رسیدگی کنند تا بدبینی مردم نسبت به دولت که هیچ قدمی تا کنون در جهت منافع خلق بلوچ برداشته است تغییر کرده و رحیم های دیگری بوجود نیاید.

رویدادهای هفته

برادران صابری آزاد شدند

دستگیری آنان و حقانیت مواضع سازمان مادر این زمینه بود. ما معتقدیم دستهای توطئه‌گری تلاش داشته و دارند تا میان مبارزین راستین استقلال طلب و آزادیخواه میهن و جمهوری اسلامی تفرقه بیا نندازند و آنها را به مبارزه بایکدیگر برانگیزند و ایر واقع‌رانیز نمونه‌ای از این توطئه می‌انگاریم.

اما متأسفیم که دادستان انقلاب در اهواز بطور ناخودآگاه تحت تاثیر تبلیغات سوء قرار گرفته و مطالبی را منتشر کردند (روزنامه انقلاب اسلامی - ۹ تیر) گه به هیچ وجه زیبنده‌ی یک فرد مسئول انقلاب نبود.

عوامل بیگانه و دشمنان خلق چون بعث عراق، امپریالیستهای روسی و آمریکایی، فئودالهای مرتجع، سرمایه‌داران وابسته و... همه تلاش میکنند تا از مسئله‌خواست بحق رفع ستم ملی که از طرف خلق عرب مطرح شده و تضادی که این امر نفع خود و به قیمت ضربه زدن به انقلاب سودجویند.

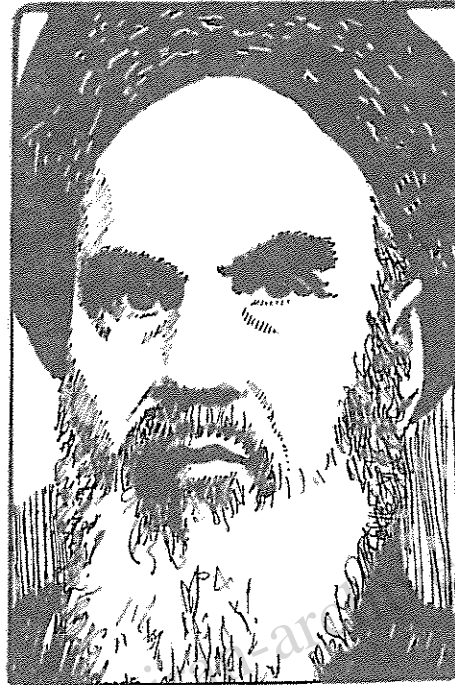
آنها یکبار در لباس "مدافعین بقیه در صفحه دو

سراجم پس از چندین روز با زداشت، برادران صابری از زندان کمیته اهواز آزاد شدند.

بعد از بخش خبر دستگیری ایندو، موجی از اعتراض برخاست. گروهی از کارگران و کارکنان راه آهن اهواز (همکاران عزیز ما بری) به دستگیری او اعتراض کرده و اعلام آمادگی برای بست نشستن کردند، سازمان انقلابی بخش خوزستان، سازمان جوانان انقلابی، اراده الحیاه، اعلامیه‌هایی در اعتراض به این دستگیری منتشر کردند و تلگرافهایی نیز از جانب شخصیت‌ها و سازمانهای مبارز داخل و خارج کشور ارسال گردیدند. خانواده‌ی این دو مبارز زندانی نیز فعالانه برای آزادی آنها کوششهای فراوان و ارزشمندی کردند. اما فشار افکار عمومی و حمایت مردم مبارز اهواز و خوزستان از ایندو، نقش اساسی را در آزادی آنها داشت.

این دو مبارز در طول مدت زندان ممنوع الملاقات بودند و دلیل این امر توضیح داده نشد. از آن مهمتر هیچ دلیل مشخصی نیز برای دستگیری آنان ارائه نگردید که خود شاهی برنا درست بودن

رهنمودهای مهم امام



هفته پیش امام خمینی سخنان مهمی را در سه زمینه اساسی ایراد کردند.

امام در سخنانی خطاب به علمای اصفهان در مورد روحانیون، اهمیت و نمونه بودن آنان تاکید کردند و گفتند:

"اگر خدای نخواستند انحرافی از بعضی اشخاص ملبس به لباس روحانیت سرزند ممکن است پای اسلام گذارده شود، همه نظرها به شما دوخته است.... ماهمه باید بوظیفه اسلامی خود عمل کنیم و بهانه بدست دشمن ندهیم که ما را آسوده کند و بگویند اهل علم دیکتاتور هستند و یا انحراف دارند و میخواهند برای خودشان یک بساطی درست بکنند."

امام همچنین خطاب به پاسداران در روز پاسدار، لزوم طرد عناصر منحرف و ناپاک را توصیه کردند و گفتند:

"اکیدا از شما جوانان عزیز خواستارم که عناصر ناپاک را از خود دور کنید که عمل خلاف یک نفر ممکن است گروهی را بدنام کند. و تاکید کردند که پاسداران باید از عدالت پاسداری کنند. در زمینه چگونگی برخورد

شوروی : کشوری امپریالیستی (۱۲) استعمار نو (۲)

حالا ببینیم دارودسته برژنف - کاسیکین در این رابطه چه میگویند:

خروشچف استاد بزرگ این دارودسته خائن، در کنگره بیستم حزب رومیونیستی شوروی در سال ۱۹۲۵ (۱۹۵۶) اعلام کرد: "امروز دیگر ضرورتی نیست که هر کشور سوسیالیستی تمام رشته‌های صنایع سنگین را توسعه دهد... بلکه هر کشور دموکراسی توده‌ای باید بنا بر شرایط طبیعی و اقتصادی خود برای تولید کالاهای معینی تخصص یابد." این حرف خروشچف بعدا بارها از طرف برژنف و کاسیکین و نوکران آنها در کشورهای رومیونیستی اروپای شرقی مطرح شده و عنوان تئوری "تقسیم سوسیالیستی بین المللی کاز" را گرفته است. بعنوان مثال آقای پاپ که معاون نماینده رومیونیستهای جمهوری مجارستان در "شواری کمکهای متقابل" اقتصادی "است میگوید: "تنها کشورها یا گروهی از کشورها که جمعیت ۵۰ - ۴۰ میلیون نفری دارند میتوانند آن ترکیب اقتصادی حداقل را که برای تولید بسیاری از کالاها با کارایی عالی لازم است داشته باشند بعضی از رشته‌های صنعتی موقعی میتوانند با کارایی مناسبی دست بتولید بزنند که برای جمعیتی لااقل ۱۰۰ میلیون نفر تولید نمایند." (نقل از "مسکونیوز شماره ۲۳، سال ۱۹۷۴) یعنی اینکه کشورهایی که از ۱۰۰ میلیون نفر کمتر جمعیت دارند نمیتوانند بعضی کالاها را تولید کنند و کشورهایی که جمعیتشان از ۵۰ - ۴۰ میلیون کمتر است بسیاری از کالاها را نمیتوانند تولید کنند. چرا؟ چونکه "کارایی لازم" را ندارند. پس برای اینکه جنسی که تولید شده کیفیت بالایی داشته باشد و خرج تولیدش هم کمتر باشد این کشورها باید تولید این کالاها را به عهده "برادر بزرگتر" خود، بگذارند. این حرفها آدم را بلافاصله بیاد حرفهای نازیهای آلمان، فاشیستهای ژاپن و امپریالیستهای جون دالس میاندازد که با تمام نیرو میکوشیدند تا توسعه طلبی و استعمارگرایی خود را برای مردم قابل قبول کنند. نتیجه‌ی این حرفها چه بوده؟ وابستگی روز افزون کشورهای رومیونیستی اروپای شرقی به شوروی و حرکت سریع آنها بسوی الحاق کامل به شوروی، ما این استعمارگری شوروی را ابتدا از نظر اقتصادی و بعد از نظر سیاسی بررسی میکنیم.

اول از نظر اقتصادی:
برطبق تئوری "تقسیم سوسیالیستی بین المللی کار" کشورهای رومیونیستی تابع شوروی مجبورند تنها به تولید آن محصولات بیپردازند که یا مورد احتیاج دولت شوروی است، یا تولید آن فعلا کفاف احتیاجات کشورهای برادر" را نمیدهد، یا اینکه در زمان حال شوروی آنها را تولید نمیکند. مثلا کشور مجارستان دارای منابع نفت است و میتواند با استخراج آن احتیاجات نفت و گاز خودش را برطرف کند. اما شورویها مانع اینکار هستند. چرا؟ چون که شوروی دارای نفت و گاز کافی هست و بنا بر این سرمایه گذاری در این رشته گویا "هدردادن سرمایه است" نتیجه چیست؟ مجله "عصر جدید" چاپ مجارستان در شماره اول سال ۱۹۷۲ می‌نویسد: "در پنج سال اخیر ۴۱ درصد مواد خام مجارستان از شوروی تامین میشود. برای برخی از کالاها مانند نفت، سوخت

خاطره شهدای تیر گرامی باد

تیرماه سال مصادف با سومین سالگرد شهادت سی و سه تن از اعضاء سازمان چریکهای فدائی خلق، از جمله رفیق حمید اشرف از رهبران این سازمان است.

در سال ۱۳۵۵ رژیم جنایتکار شاه توانست ضربه‌هایی بیه سازمانهای انقلابی وارد آورد و در تیرماه ۱۳۵۵ این ضربه متوجه سازمان چریکهای فدائی خلق شد. رژیم از طریق دستگاههای تبلیغاتی خود برای چندمین بار اعلام "نابودی" سازمانهای مبارز را کرد. اما مردم ما سازمانهای

دادگاه روحانیت شیراز يك اقدام انقلابی

هفته گذشته دادگاه روحانیت شیراز در مورد ۴ نفر روحانی نما به اسامی مصطفی کعبه پرست، عبدالخالق شاملی، جمال - محفوظ انصاری و سید محمد انوار ضمن محکوم کردن هر یک به حبس و جریمه نقدی آنان را وادار به خلع لباس روحانیت ساخت.

رژیم منحط و فاشیستی پهلوی از همان اوان استقرار خود به قلع و قمع روحانیون مترقی و مبارز همت گماشت. ترور مدرس و دیگر بزرگان عالم روحانیت حبس و تبعید و تهدید هزاران روحانی واقعی و مبارز، همه و همه

نتیجه چیست؟ مجله "عصر جدید" چاپ مجارستان در شماره اول سال ۱۹۷۲ می‌نویسد: "در پنج سال اخیر ۴۱ درصد مواد خام مجارستان از شوروی تامین میشود. برای برخی از کالاها مانند نفت، سوخت دیزل، سنگ آهن و... اتحاد شوروی ۹۰ تا ۱۰۰ درصد احتیاجات ما را تامین می‌نماید." برطبق همین تئوری کشورهای "برادر" اتحاد شوروی تنها حق دارند دست به تولید آن چیزهایی بزنند که برای توسعه صنایع "برادر بزرگ" (شوروی) لازم است. مثلاً کشور مجارستان دارای معادن آلومینیوم (بوکسیت) فراوان و غنی است اما خود اجازه داشتن کارخانه ذوب آلومینیوم را ندارد چرا؟ چون اتحاد شوروی برای ذوب آلومینیوم "تخصص" دارد و بنابراین این انجام همین کار توسط مجارستان سرمایه را به "هدر" میدهد! نتیجه چیست؟ نتیجه اینکه مجارستان سنگ معدن را استخراج میکند، آنرا به چند هزار کیلومتر آنطرف‌تر یعنی به کارخانه‌های شوروی می‌فرستد تا در آنجا به شمش تبدیل شوند. شمشها دوباره پس از طی همین راه از آنجا به مجارستان برگردانده میشوند تا نیازهای آلومینیوم مجارستان را تامین نمایند!

بقیه در صفحه ۹ * * * * *

آقای سفیر و صدور گاز

واستقلال و حاکمیت ایران حفظ شود؟ آیا هنوز برای دولت موقت ثابت نشده که رابطه شوروی با ایران رابطه یک ابرقدرت با یک کشور در حال توسعه، یک‌گاز رتگربا یک غارت شده است و مثلاً امپریالیسم روسیه‌گاز ایران را به سه برابر قیمت خرید در اروپای شرقی می‌فروشد؟ آیا آقای سفیر میدانند که این لوله‌کشی هانه تنها صنایع کشورهای اروپای شرقی و مرکزی را بماند متکی نمی‌سازد بلکه مارا هم همانند همین کشورهای اروپای شرقی و مرکزی به ابرقدرت روس وابسته میکند؟

منافع خلقهای ایران حکم میکنند که خرید تولیدات مناسب کشورمان در انحصار هیچ کشور خارجی و بخصوص ابرقدرتهای جهانخوار آمریکا و شوروی نباشد و دولت ایران بتواند کنترل کامل تولید و فروش این منابع را در دست خود داشته و در این امر بتکلیف عمل داشته باشد.

صحبت از تامین منافعی اقتصادی ایران بدون آنکه به قیمت استقلال ایران تمام نشود زمانی از حالت شعارجوبه واقعیت تبدیل میشود که در عمل جلوی وابستگی اقتصادی ایران به

آقای "محمد مکری" سفیر جمهوری اسلامی ایران در شوروی، در گفتگوی خود با خبرنگاری پارس، در هفته گذشته، بار دیگر در مورد لوله دوم گاز و حتی لوله سوم گاز رسانی به اتحاد شوروی صحبت نمود. او گفت: "ایجاد لوله دوم گاز که از شوروی میگذرد و قسمتی از احتیاجات سوخت اروپای شرقی و مرکزی را تامین میکند، صنایع این کشورها را طعابسه‌مانندگی و وابسته میسازد و... در قسمت دیگری می‌افزاید: "اگر دولت شوروی با ما حسن نیت و تعاهم بیشتری نشان دهد و ثابت شود که رابطه ما، رابطه یک ابرقدرت با یک کشور در حال توسعه نیست در این صورت اشکالی نمی‌بینیم که حتی روزی لوله سوم گاز... احداث شود."

و در آخر اظهار می‌دارد: "تامین منافعی ایران برای ما از اهمیت خاصی برخوردار است. اما اینکار نباید بهر قیمتی برای ما تمام شود زیرا استقلال و حاکمیت ایران مقدم بر هر چیز است. خوب است سؤال شود چگونه ممکن است انحصار خرید گاز مادر اختیار یک ابرقدرت و آنهم ابر قدرت متجاوز شوروی باشد

کند. تا کید کردند که پاسداران باید از عدالت پاسداری کنند. در زمینه چگونگی برخورد نیروهای اسلامی با سایر نیروها در جامعه، امام در خطاب به نمایندگان شهرستانها رهنمود بقیه در صفحه دو

نشانی دفتر رنجبر
تهران - خیابان مصدق
پائین تر از امیر اکرم - کوی گودرز
پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹
نشانی پستی رنجبر - تهران
صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴

دیگر بزرگان عالم روحانیت حبس و تبعید و تهدید هزاران روحانی واقعی و مبارزه همه و همه برای ناکام گذاشتن مبارزات آنان بجائی نرسید. پسر رضا خان با حیلله جدیدی بمیدان آمد. اسناد ساواک نشان بقیه در صفحه دوم

سرهنگ شامی:

نظامیان باید از کلیه حقوق

و آزادیها بهره‌مند گردند.

در هفته گذشته، سرهنگ فریدون شامی، معاون دادستان ارتش جمهوری اسلامی، در سمینار "خواستهای ملت از قانون اساسی، سخنرانی مبسوطی درباره نقش ارتش در جمهوری اسلامی کرده که حاوی نکات بسیار آموزنده است. بقیه در صفحه دو

تبلوغاتی خود برای چندمین بار اعلام "نابودی" سازمانهای مبارز را کرد. اما مردم ما سازمانهای مبارز خوب میدانستند که قربانی، تنها اراده خلق را استوارتر میسازد.

شهیدان خلق آموزگاران خلقند. شهید حمید اشرف چه در زندگی و چه در شهادت نمونه عشق به میهن و خلق و تنفر از امپریالیستها، بیگانهای پرستان و ارتجاع بود. ادامه دهندگان راستین راه شهیدان نیز از شهدا عشق عمیق به میهن و توده‌ها و مبارزه آشتی ناپذیر علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و ادامه مبارزه در راه استقلال کامل میهن را می‌آموزند. ما خاطره شهدای ۸ تیر را به همراه خلق، با مبارزه در راه استقلال کامل میهن و آزادی و رفاه خلق گرامی میداریم.

قراردادهای اسارت‌بار با آمریکا و شوروی را لغو کنید

می‌نمایند و برای عملی ساختن آن از هیچ فداکاری کوتاهی نمی‌کنند.

هنگامیکه امام خمینی در دهم اسفند ۱۳۵۷ در موقع ترک تهران در پیام چهارده نکته‌ای خود به مردم گفتند استبداد سرنگون شده و لیبی باید مبارزه تا خلق پد کامل آمریکا، شوروی، انگلستان، صهیونیستها و سایر غارتگران بین‌المللی به پیش‌برد، در واقع این خواست بزرگ مردم و انقلاب را توضیح میدادند.

بنابراین این معیار یعنی مبارزه برای لغو این قراردادها، معیاری صحیح و در تطابق با خواست تمام خلقها، اقشار و طبقات مردم است. امروز عوامفربانه خواهد بود که بطور عام از استقلال کشور صحبت کرد ولی از کنار مبارزه برای لغو این دو قرارداد درددل، امروز عوامفربانه‌تر خواهد بود که

بقیه در صفحه ۴

طی انقلاب مسئله مرکزی سیاست خارجی ایران را در یک کلمه خلاصه کردند: استقلال.

زحمتکشان این مرز و بوم شریف با دادن چند ده هزار شهید، در طی مبارزه‌ای عظیم که با قیام شکوهمند بهمن ماه به پیروزی رسید اعلام کردند، در صدر برنامه انقلاب، استقلال کشور خود را قرار داده‌اند.

و اکنون مواضع کلیه نیروها و دستجات سیاسی در محکمه تاریخ و مردم با این معیار محک زده میشود. چه کسانی برخاستند و اراده مردم تکیه میکنند و انقلاب را ادامه خواهند داد؟

بنظر ما، آنهایی که در درجه اول برای استقلال کامل ایران مبارزه میکنند و چه کسانی برای استقلال ایران مبارزه میکنند؟ بنظر ما آنهایی که امروز برای لغو قراردادهای اسارت‌بار امپریالیسم آمریکا و همچنین لغو قراردادهای اسارت‌بار با شوروی و ویژه قرارداد ۱۹۲۱ مبارزه

این روزها بحث و ابتر از نظر در اطراف لغو قراردادهای اسارت‌بار با آمریکا و همچنین قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی شدت گرفته است. هرکس با حرکت از منافع معینی به این مسئله برخورد میکند. اکثریت وسیع و عظیم مردم از منافع محقانه ملی و خلقی حرکت مینمایند. مشتی لغو یکی را میخواهند و حفظ دیگری را و بعضی‌ها تعلل را جایز می‌شمارند. ما با وجود آنکه در شماره ۱۱ رنجبر در این مورد نظر داده‌ایم، تا کید محدود را ضروری می‌شماریم.

آیا کشوری مانند میهن ما میتواند به انقلاب خود ادامه دهد در حالیکه بعلمت حاکمیت رژیم سابق، قراردادهای برگردانده او سنگینی میکند که معنایش خدشه دار ساختن استقلال ایران است؟ و آیا این با منافع و خواست مردم کشور تطابق دارد؟

نوده‌های قهرمان مردم، در